

از جهان کار

در باره کار کودک (2)



گروه کار کارگری حزب چپ ایران

اردیبهشت 1404 (آوریل 2025)

توضیح

کار کودک یک مسئله اجتماعی پرسابقه و تقریباً رایج در همه جاست. در نگاه نخست حل این مسئله "ساده" به نظر می‌رسد، زیرا علت اصلی آن بی‌مبادله فقر است. پس ظاهراً کافی است حمایت مالی نسبتاً محدودی از خانواده‌های تهیدست - معادل هزینه‌های تحصیل و "درآمد" کودک کار - صورت گیرد تا مسئله ریشه کن شود و امکان تحصیل برای کودکان کار فراهم. ما در دفتری که پیشتر زیر عنوان "از جهان کار، در باره کار کودک" انتشار دادیم، نشان دادیم که چنین نیست. مسئله کار کودک ابعاد متعددی دارد و حل آن، یا حتی تخفیف آن، مستلزم رویکردی سیستمی - برنامه‌ای است. در دفتر حاضر، شامل دو مقاله، ابعاد دیگری از مسئله بررسی شده‌اند:

از سوئی مجموعه شواهدی، ولو محدود اما رو به رشد، حکایت از اهمیت تغییرات اقلیمی به عنوان تهدیدی چندجانبه برای کودکان کار دارند، و این به ویژه در بخش کشاورزی - جایی که 70 درصد از کل کار کودک در آن انجام می‌شود، محسوس است. شناخت دقیق کانالهایی که تغییرات اقلیمی و واکنش‌ها به این تغییرات از آن طریق بر کار کودکان تأثیر می‌گذارد، و رسیدگی به این کانالها، برای پیشرفت جهانی در جهت پایان دادن به همه اشکال کار کودک تا سال 2025، چنان که در هدف 8.7 از اهداف توسعه پایدار تعیین شده است، حیاتی خواهد بود.

از سوی دیگر امروزه در امر تولید تقریباً همه جا سروکار با زنجیره‌های تأمین است که به واقع گاه از حلقه‌های متعددی تشکیل می‌شوند. قاعده هم کمابیش این است: هرچه تعداد حلقه‌های یک زنجیره بیشتر، بی‌قانونی جاکم بر آن، از جمله به صورت کار کودک، شایعتر.

این مقالات پیشتر به صورت مسلسل در "جنگ گارگری" حزب چپ ایران انتشار یافته‌اند و اینک، به مناسبت روز اول ماه مه 2025، یکجا در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرند.

گزارش تحقیق ویژه در باره کار کودک و تغییرات اقلیمی

1	مقدمه
2	تغییرات اقلیمی و کار کودک: رابطه تئوریک
2	تغییرات اقلیمی و کار کودک: مجاری تأثیرات کلیدی
3	3.1 فقر
3	3.2 شوک های شدید آب و هوایی مرتبط با آب و هوا
4	3.3 بارآوری کشاورزی
6	3.4 تحرکات و درگیریهای مهاجرتی ناشی از تغییرات اقلیمی
6	3.5 مسائل بهداشتی و کار خطرناک کودکان
7	3.6 سیاست های ناظر بر سازگاری با اقلیم
8	4 برای تبادل نظر: کار کودکان و گذار عادلانه به اقتصاد و جامعه "اقلیم بنیاد"
8	4.1 تدابیر اقلیم بنیاد بخش دولتی
9	4.2 تدابیر اقلیم بنیاد بخش خصوصی

صورتهرداری از خطرات کار کودک در زنجیره های تأمین جهانی

10	1 کار کودک در زنجیره های تأمین جهانی
10	1.1 کار کودک و مسئولیت زنجیره های تأمین
10	1.1.1 زنجیره تأمین بالادست
11	1.2 صورتهرداری از زنجیره تأمین
11	1.2.1 پوشاک
12	1.2.2 الکترونیک
13	1.2.3 غذا و کشاورزی
14	2 ردیف 4: ورودی مواد خام
17	3 ردیف 3: پردازش مواد خام
19	4 ردیف 2: تبدیل مواد
21	5 ردیف 1: مرحله نهائی تولید
23	6 کار کودک: عرضه، تقاضا و پاسخ
23	6.1 عوامل عرضه و تقاضا
25	6.2 تلاش های جاری
27	7 چالشها و نوآوریها
27	7.1 چالشهای پاسخ سنتی به کار کودک در زنجیره های تأمین
30	8 رویکردهای نوآورانه
30	8.1 رسیدگی به علت اصلی
31	8.2 رفع موانع دسترسی به مدرسه
31	8.3 ایجاد مناطق آزاد از کار کودک
32	8.4 همکاری جامع

گزارش تحقیق ویژه در باره کار کودک و تغییرات اقلیمی

شعبه اصول و حقوق اساسی کار سازمان بین المللی کار، برنامه مشاغل سبز

1. مقدمه

تغییرات اقلیمی (آب و هوایی) تأثیرات بزرگ و فزاینده ای بر مردم و جوامع در سراسر جهان دارند. بین سال‌های 2000 تا 2019، بیش از 11000 سانحه مرگبار اقلیمی موجب مرگ بیش از 475 هزار نفر و زیان اقتصادی تخمینی 2.5 تریلیون دلار در سراسر جهان شدند. در میان بخشهای اقتصاد، کشاورزی حساسترین بخش نسبت به تغییرات اقلیمی است، اما اثرات آن جوهر سیستمی دارد و به تمام بخش‌های اقتصاد گسترش می‌یابد، زیرا تغییرات اقلیمی و واکنش‌ها به این تغییرات شوک‌ها و تعدیل‌های گسترده‌ای را در زنجیره‌های تولید و ارزش جهانی ایجاد می‌کنند.

اثرات نامطلوب اجتماعی-اقتصادی تغییرات اقلیمی - از جمله از دست دادن منابع درآمد و معیشت، ناامنی غذایی، سوء تغذیه، سلامتی به خطر افتاده، کاهش بهره‌وری نیروی کار، آوارگی و ترک وطن - عمیق و رو به رشد اند. گروه‌های حاشیه‌نشین و آسیب‌پذیر که انعطاف‌پذیری کمتری در برابر تأثیرات اقلیمی دارند، به‌طور نامتناسبی تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند. به‌ویژه کودکان بارها به‌عنوان یکی از گروه‌های جمعیتی شناخته شده‌اند که بیشتر در معرض خطر شوک‌های سیستمیک ناشی از تغییرات اقلیمی اند.

مجموعه شواهدی، اگرچه هنوز محدود اما رو به رشد، حکایت از اهمیت تغییرات اقلیمی به عنوان تهدیدی چندجانبه برای کودکان کار دارند، و این به‌ویژه در بخش کشاورزی - جایی که 70 درصد از کل کار کودک در آن انجام می‌شود، محسوس است. شناخت دقیق کانال‌هایی که تغییرات اقلیمی و واکنش‌ها به این تغییرات از آن طریق بر کار کودکان تأثیر می‌گذارد، و رسیدگی به این کانالها، برای پیشرفت جهانی در جهت پایان دادن به همه اشکال کار کودک تا سال 2025، چنان که در هدف 8.7 از اهداف توسعه پایدار تعیین شده است، حیاتی خواهد بود.

این مقاله نتیجه تحقیقات موجود در باره تأثیر متقابل بین تغییرات اقلیمی و کار کودکان را گرد آورده و مرور کرده است. هدف آن ارائه تصویری اولیه از برخی از کانال‌های کلیدی - هم مستقیم و هم غیرمستقیم - است که از طریق آنها تغییرات اقلیمی و واکنش‌ها به این تغییرات به کار کودکان مرتبط می‌شوند. این مقاله همچنین پیامدهای گسترده این همپیوندی را برای سیاست‌گذاری راهگشا بررسی کرده است.



این واقعیت که تغییر اقلیم بر نیروی کار جهانی تأثیر می‌گذارد به گستردگی شناخته شده است، اما تأثیرات آن بر کار کودکان کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است و چنین نیست که بتوان تأثیر تغییر اقلیم بر کار کودکان را مستقیماً از تحقیقات انجام یافته بر کار بزرگسالان را استخراج کرد، زیرا محرک‌های اساسی کار کودک و خطرات مرتبط با آن کاملاً متفاوت اند.

تحقیقات انجام یافته در باره کار کودک و ارتباط آن با تغییرات اقلیمی، که به گستردگی بررسی شده اند، مبنای یافته‌های مقاله حاضر را تشکیل می‌دهند¹. در مجموع بیش از 800 سند بررسی شده و 5000 مقاله از "ادبیات خاکستری"² با جستجوی مبتنی بر کلیدواژه اصلی شناسایی شدند. از این تعداد مجموعاً

142 مطلب برای اهداف این مقاله "باربط" تشخیص داده شدند، که 116 جدیدترین آنها در تهیه مقاله مورد استفاده قرار گرفتند. شایان ذکر است که تعداد کل اسناد شناسایی شده از طریق جستجوهای کلیدواژه حجم زیادی از نتایج را تشکیل نمی‌دهد. این نکته حاکی از آن است که تحلیل همپیوندی کار کودکان و تغییرات اقلیمی عرصه نسبتاً جدیدی است. برای مقایسه، جستجوی کار کودک و فقر یا درآمد خانوار بیش از 6000 مقاله درخور بررسی را در Scopus و بیش از 15000 نتیجه را در Google Scholar در دسترس قرار می‌دهد.

این مقاله هم به چگونگی بروز فیزیکی تغییرات اقلیمی و هم به نحوه تأثیرگذاری و اکشن‌ها به تغییرات اقلیمی بر کار کودکان می‌پردازد. مقاله با یک بحث کوتاه آینده نگر در باره لزوم منظورداشت کار کودک در اقدامات عمومی و خصوصی گسترده برای گذار عادلانه به اقتصاد و جامعه فارغ از خطرات اقلیمی به پایان می‌رسد.

2. تغییرات اقلیمی و کار کودک: رابطه تئوریک

ادبیات مربوط به کار کودکان به دو عامل یا فرضیه، کمابیش متضاد اشاره می‌کند که می‌توانند منجر به سوق کودکان به بازار کار کودک شود. از یک سو، فرضیه فقر، برمی‌نهد که خانواده‌ها به کار کودکان متکی می‌شوند، زیرا درآمد آنها برای تأمین نیازهای معیشتی شان بدون سهم درآمدی فرزندان بسیار کم است. بر این اساس، زمانی که بخشی از جمعیت به شرایط دشواریهای بیشتر اقتصادی رانده می‌شوند، خطر کار کودکان بسیار است. فرضیه دیگر بر آن است که اشتغال به کار در خانواده‌ها، به شمول کار کودک، به قابلیت‌های نسبی، مابه ازای کار کودکان و جایگزین‌هایی که خانواده‌ها برای وقت کودکان دارند، بستگی دارد. در این فرضیه، کار کودک نیز بر اساس ارزش نسبی هر ساعتی که کودک در محل کار صرف می‌کند، در مقایسه با ساعتی که در مدرسه یا سایر فعالیت‌ها صرف می‌کند، تعیین می‌یابد.

تغییرات اقلیمی از طریق هر دو مکانیسم پیشگفته بر کار کودکان تأثیر می‌گذارد، اما تأثیرات آن لزوماً خطی یا یک طرفه نیستند. به عنوان مثال، اگر گرمایش زمین تولیدات کشاورزی را از طریق خشکسالی شدید و فرسایش خاک



کاهش دهد، خانواده‌های کشاورز را فقیرتر می‌کند و این خانواده‌ها به احتمال زیاد مجبور می‌شوند برای تأمین نیازهای معیشتی خود به کار کودکان (در کشاورزی یا خارج از مزرعه) متوسل شوند. در عین حال، خشکسالی‌های مرتبط با آب و هوا و فرسایش خاک می‌تواند بهره‌وری کشاورزی را کاهش دهد و به نوبه خود خانواده‌ها را تشویق کند تا زمانی را که کودکان در کار کشاورزی می‌گذرانند کاهش دهند، زیرا ارزش کار آنها در مزرعه کمتر می‌شود. اما کاهش بهره‌وری کشاورزی همچنین ممکن است کار کشاورزی بزرگسالان را کم ارزش‌تر کند و بزرگسالان را به سمت مشاغل خارج از مزرعه ترغیب کند و به نوبه خود نیاز به کودکان کار در مزرعه را افزایش دهد. از این رو، تأثیر خالص تغییرات اقلیمی بر کار کودکان در هر زمینه معین به تعامل و قدرت نسبی این عوامل مختلف بستگی دارد.

3. تغییرات اقلیمی و کار کودک: مجاری تأثیرات کلیدی

تغییرات اقلیمی در دو سطح مختلف عمل می‌کنند که هر دو پیامدهای مهمی برای کار کودکان دارد: در سطح اول، از طریق تغییرات حاشیه‌ای در دما همراه با تغییرات آرام و پیوسته سیستم‌های فیزیکی و بیولوژیکی (گرم شدن مستقیم زمین، ذوب شدن یخ‌های دائمی، بالا آمدن سطح دریاها، اسیدی شدن اقیانوس‌ها، فرسایش سواحل و غیره)؛ و در دومین سطح، از طریق اختلالات ناگهانی، رویدادهای شدید اقلیمی و احتمالاً حتی با نقاط اوجی غیرقابل برگشت در عملکرد اکوسیستم‌های اصلی (امواج گرما، گردبادها و طوفانهای استوایی، خشکسالی، و غیره). از آنجایی که تغییرات حاشیه‌ای می‌توانند بازخوردها و اثرات زنجیره‌ای را در میان سیستم‌های به هم پیوسته بیوفیزیکی ایجاد کنند، و از آنجا که اختلالات ناگهانی نیز می‌توانند پس از یک دوره تغییرات آهسته و پیوسته ایجاد شوند، این دو سطح تغییرات ارتباط نزدیکی با هم دارند.

تأثیر تغییر اقلیم در هر دو سطح، در کشورهایی بیشتر است که اقتصاد آنها در معرض خطرات سنگین‌تر، و ظرفیتهای شان برای کاهش خطرات و سازگاری با تغییرات ضعیف‌ترین است. برخی از بزرگترین اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی در بخش‌های اولیه اقتصاد یعنی در کشاورزی، جنگلداری و شیلات، و نیز در گردشگری رخ می‌دهند. این بخش‌ها نقش مهمی در اقتصاد بسیاری از کشورهای کمتر صنعتی دارند، و درست در این اقتصادهاست که در آنها سطح کار کودکان نیز بالا است. این کشورها همچنین ظرفیت سازگاری کمتری با تغییرات آهسته و ناگهانی اقلیمی دارند. آنها با محدودیت‌های مالی بسیار بیشتری مواجه اند که برای سرمایه‌گذاری در ساخت سدها، اتخاذ سیستم‌های آبیاری پیشرفته،

ارائه سیستم‌های هشدار اولیه سیستماتیک، ایجاد ساختمانهای مقاوم در برابر تغییرات حاد اقلیمی و زیرساخت‌ها و سایر استراتژی‌های سازگاری حیاتی لازم اند تا از این طرق بتوانند اثرات اجتماعی و اقتصادی این تغییرات را به حداقل برسانند.

در ادامه این فصل به بررسی شواهدی درباره برخی از مجاری معین دارای اهمیت کلیدی می‌پردازیم که از طریق آن‌ها تغییرات اقلیمی در حال حاضر بر کار کودکان تأثیر می‌گذارند و به احتمال بسیار، در آینده بر کار کودکان حتی تأثیر بیشتری خواهند گذاشت.

3.1 فقر

افزایش فقر شاید مهمترین مجرائی است که تغییرات اقلیمی از طریق آن بر کار کودکان تأثیر می‌گذارد. مجموعه وسیعی از شواهد نشان می‌دهد که اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی در حال حاضر به طور قابل توجهی بر معیشت و شرایط زندگی تأثیر می‌گذارد، افراد بیشتری را به سمت فقر سوق می‌دهد و شرایط کسانی را که قبلاً در فقر و موقعیتهای آسیب پذیر قرار داشته اند، و امکان مانور و سازگاری کمتری در برابر مصائب، و گزینه‌ها و دسترسی کمتری به ساختارهای حمایتی نهادی دارند، تشدید می‌کند. 3 بر اساس گزارش بانک جهانی، این امکان وجود دارد که تأثیرات تغییر اقلیمی تا سال 2030 بین 32 تا 132 میلیون نفر را به ورطه فقر شدید بکشانند، بسیاری را ناگزیر به تغییر اشتغال و امکان معیشت و انتقال از بخش کشاورزی به سایر بخش‌ها و اتخاذ روشهای دیگر کار کند، و منجر به الگوهای گسترده‌تر مهاجرت نیروی کار و اسکان انسانی گردد.

در عین حال، فقر برای درک آسیب پذیری کودکان یک نکته محوری است. در یک نگاه مقدماتی، این که خانواده‌های تهیدست برای برآوردن نیازهای اساسی شان و مقابله با موقعیتهای نامطمئن مجبور به توسل به اعزام کودکان شان به بازار کار کودک شوند، بسیار محتمل است. مواجهه دائمی با شوکهای معیشتی نیز می‌تواند تأثیر مشابهی بر تصمیمات خانواده برای استفاده از نیروی کار کودکان داشته باشد. خانواده‌ها معمولاً با قرض گرفتن، هزینه کردن پس‌انداز احتمالی یا فروش دارایی‌های خانواده به کاهش موقت درآمد خود پاسخ می‌دهند، اما زمانی که این گزینه‌ها در دسترس نیستند یا در مقیاس مورد نیاز در دسترس نیستند، به احتمال زیاد مجبور می‌شوند به کار کودک متوسل شوند. کار کودک در واقع نوعی حائل یا بیمه در برابر شوکهایی است که آنها تجربه می‌کنند.



تعداد فزاینده‌ای از مطالعات مکرراً این نکته را تقویت می‌کنند که فقر خانواده‌ها را وادار می‌کند بیشتر به کار کودکان تکیه کنند. به عنوان مثال، مطالعات انجام یافته در کامبوج 18 و تانزانیا، نشان داد که کار کودکان در روستاهایی که شوکهای مرتبط با کشاورزی - مانند خشکسالی، سیل و بارندگیهای ناهنگام و کاشت کم حاصل - را تجربه می‌کنند، به طور قابل توجهی بالاتر است. و اینها دقیقاً همان شوکهایی اند که در نتیجه تغییرات اقلیمی در حال افزایش هستند. این تحقیقات همچنین نشان می‌دهند که شوکهای قیمت مواد غذایی - که به طور فزاینده‌ای به رویدادها اقلیمی یا تغییرات اقلیمی مرتبط با بهره‌وری کشاورزی نسبت داده می‌شوند - نیز بر کار کودکان تأثیر می‌گذارد. برای مثال، شواهد در برخی کشورها، از جمله در اوگاندا و پاکستان، نشان‌دهنده رابطه‌ای هستند بین افزایش قیمت مواد غذایی و افزایش کار کودکان و تشدید زمان کار کودکان در خانواده‌های غیرکشاورز.

3.2 شوک‌های شدید آب و هوایی مرتبط با آب و هوا

تغییرات اقلیمی نه تنها باعث افزایش تدریجی دما و تغییر الگوهای بارندگی می‌شوند، بلکه باعث ایجاد تعداد فزاینده‌ای از شوکهای شدید اقلیمی نیز می‌گردند. به عنوان مثال، بین سال‌های 2010 تا 2019، در کشورهای جنوب صحرای آفریقا فراوانی خشکسالی‌ها تقریباً سه برابر، دفعات طوفان‌ها بیش از چهار برابر و فراوانی سیل‌ها ده برابر شده است.

این شوکهای اقلیمی می توانند عواقب وخیمی برای کار کودکان داشته باشند. برای مثال، مطالعه‌ای در مورد تأثیر طوفان متیو (Matthew) در جوامع کشاورزی در روستاهای هائیتی نشان داد که 46 درصد کودکانی که در مدرسه ثبت‌نام کرده بودند، به دلیل طوفان از رفتن به مدرسه بازماندند. والدین این کودکان با توجه به از دست دادن درآمد به دلیل آسیب به محصول و تلفات دام، نیاز به کار آنان در مزرعه خانوادگی را به عنوان دلیل اصلی ترک تحصیل فرزندان اعلام کردند. در ماداگاسکار، تغییر منفی الگوی بارندگی و طوفانها احتمال حضور نوجوانان 14 تا 16 ساله، به ویژه برای دختران، را در بازار کار افزایش داد.

اثرات رویدادهای شدید اقلیمی بر کار کودکان می توانند تا مدتها بعد از خود این رویدادها باقی بمانند. به دنبال یکی از بزرگترین طوفانهای گرمسیری در گواتمالا در سال 2010، کار کودکان به عوض اشتغال به تحصیل در میان مدت (10 تا 15 ماه پس از فاجعه طبیعی) شدت گرفت. این افزایش در کار کودک مشخصاً به دلیل افزایش فقر بود. مطالعه‌ای در آمریکای لاتین که یک افق زمانی 100 ساله را پوشش می‌دهد، نشان می‌دهد کودکان مادرانی که در معرض بلایای طبیعی قرار گرفته‌اند، از متوسط سطح تحصیلات پایین‌تری برخوردارند و در این گروه کودکان احتمال کار کودک افزایش می‌یابد. بنابراین بلایای طبیعی اقلیمی می توانند اثراتی حتی در نسلهای بعدی کودکان نیز به بار آورند.

رویدادهای شدید اقلیمی نه تنها به محصولات زراعی آسیب می‌زند و برداشت را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند منجر به از بین رفتن داراییهای معیشتی مانند دام، ماشین آلات کشاورزی یا تأسیسات ذخیره سازی شوند. این امر می‌تواند به‌ویژه مشکل‌ساز باشد، زیرا دارایی خانواده ها گاه می‌تواند به عنوان "ضربه گیر" یا به عنوان وثیقه ای برای استقرار عمل کند. مطالعه تانزانیا نشان می‌دهد که این دارایی می‌تواند تقریباً 90 درصد از عواقب منفی ناشی از شوک‌های کشاورزی را برای کار کودکان مانع شود. فروش اجباری داراییهای معیشتی به عنوان یک "استراتژی بقا" در زمینه رویدادهای شدید آب و هوایی مانند سیل یا خشکسالی، به نوبه خود آسیب پذیری را در برابر رویدادهای اقلیمی آینده افزایش می‌دهد و خطر افتادن در تله های فقر مداوم را افزایش می‌دهد.

3.3 بارآوری کشاورزی



بخش کشاورزی بیشترین سهم را از کار کودکان به خود اختصاص داده است. تخمین زده می‌شود که 112 میلیون کودک کار در بخش کشاورزی به کار اشتغال دارند. این رقم 70 درصد کل کودکان کار را تشکیل می‌دهد. بخش کشاورزی همچنین آسیب پذیرترین بخش اقتصاد در برابر تغییرات اقلیمی است. بنابراین، برای بررسی گسترده تر و عمیقتر تأثیرات متقابل بین کار کودک و تغییرات اقلیمی، بخش کشاورزی اهمیت ویژه ای دارد.

به طور کلی، تنش گرمایی بر گیاهان و جانوران، الگوهای بارندگی اصلاح شده، و همچنین رویدادهای شدید اقلیمی مانند خشکسالی، طوفان و سیل، تغییرات مستقیمی در پدیده شناسی (Phenology): دانش مطالعه رویدادهای چرخه زیستی جانوران و گیاهان دوره‌ای و چگونگی تأثیرپذیری آنها از تغییرات اقلیمی فصلی و میان‌سال در بازه چندین سال و عملکرد محصولات کشاورزی ایجاد می‌کنند. کاهش و فرسایش خاک، کمبود آب، تغییر در شوری، بیابان‌زایی و

سایر اثرات مرتبط با اقلیم بر زمین و شرایط جغرافیایی، نیز مانع از بارآوری مطلوب در کشاورزی می‌شوند. حرکت مداوم آفات جاندار و بیجان گیاهی به مناطق مختلف جغرافیایی با آب و هوای گرم، غالباً موجب تأثیر بیشتری بر تولید محصولات کشاورزی در مناطق جدیدی می‌شود، که پیشتر با این آفات درگیر نبوده‌اند.

بیشترین شواهد تجربی ناظر بر تأثیرات تغییرات اقلیمی بر کار کودکان بر تغییرات بارندگی در مناطق کشاورزی دیم، که از زمره عوامل تعیین‌کننده کلیدی بارآوری کشاورزی است، و تغییرات ناشی از آنها در میزان حضور کودکان در بازار کار کودک و آثار این حضور در امر تحصیل تمرکز دارند.

در بیشتر نوشته های مربوطه، افزایش بارندگی باعث افزایش کار کودکان می شود، زیرا در این حالت بارآوری کشاورزی افزایش می یابد. برای مثال، بارندگی بیشتر از حد متوسط در ویتنام ارتباط مستقیمی با افزایش تعداد کودکانی که وارد کار کشاورزی می شوند، و نیز با تعداد کودکانی که به کار خانگی کشیده می شوند، داشته است. در تانزانیا نیز، افزایش بارندگی منجر به افزایش کار کودکان در سنین 6 تا 13 سال حدود پنج روز در سال شده، در حالی که کاهش بارندگی تأثیری در کاهش کار کودکان نداشته است. نکته مهم این است که به نظر می رسد اگر مزارع کوچک خانوادگی به بازار کار محلی دسترسی داشته باشند - تا به جای تکیه بر کودکان خانواده برای تأمین درآمد بیشتر، کارگران دستمزدی بزرگسال را استخدام کنند - در این صورت افزایش کار کودک محدودتر است. این یافته نشان می دهد که تأمین دسترسی بهتر به بازار کار و حمایت از همسان سازی کارگران موقت کشاورزی می تواند نیاز به کودکان را در کشاورزی کاهش دهد.

یک تحقیق بلندمدت و بزرگ در هند نیز نشان داد زمانی که بارندگی زیاد است، کودکان 5 تا 16 ساله مدرسه را ترک می کنند و وارد بازار کار می شوند. این تحقیق دوباره نشان داد "شوگ مثبت در تولید کار کودکان را افزایش و پیشرفت تحصیلی را کاهش می دهد"، زیرا کار کودکان در مزرعه ارزش بیشتری پیدا می کند و بنابراین تقاضا برای آن افزایش می یابد. نتیجه عددی این مطالعه طولانی مدت چنین بود: به ازای هر سال که بخش کشاورزی در معرض "شوگ مثبت بارندگی" بوده است، کودکان 11 تا 13 ساله بزرگسالان 0.2 سال از مدت اشتغال آنان به تحصیل کاسته شده است.

در مقابل این مشاهدات، این نیز دیده شده که در برخی اوقات در نتیجه کاهش بارآوری کشاورزی مرتبط با دوره های خشکسالی، کار کودکان در کشاورزی کاهش داشته است. برای مثال، در همان مطالعه انجام یافته در هند، دیده شد احتمال کار کودکان در کشاورزی در زمانهای خشکسالی 20 درصد کمتر است و در قیاس با سالهای با بارندگی بسیار، احتمال بیشتری دارد که به تحصیل رو آورند.

با این حال، مطالعات دیگر نشان می دهند که چنین کاهشی در کار کودکان در بخش کشاورزی منجر به کاهش کلی کار کودکان مگر در کوتاه مدت نمی شود، بلکه قاعدتاً به جابجایی کار کودکان از کشاورزی به سایر بخش های اقتصاد غیرکشاورزی مانند معدن می شود. مثلاً در بورکینافاسو، بدتر شدن شرایط اقتصادی در بخش کشاورزی، با "هجوم طلا" همراه شد و خانواده ها را تشویق کرد تا به دنبال فرصت های درآمدی جدید باشند و منجر به کار کودکان در شرایط خطرناک در معادن طلا شد؛ فعالیتی که بخودی خود بسیار مخرب است. همچنین در نپال و پرو، با کاهش بارآوری کشاورزی، خانواده های بیشتری فرزندان خود را برای کار در واحدهای تولیدی مانند کوره های آجرپزی فرستاده اند.



تغییرات اقلیمی و تأثیر آن بر بارآوری کشاورزی همچنین منجر به تغییراتی در الگوهای کاربری زمین می شود که باز هم پیامدهای بالقوه مهمی برای کار کودکان دارد. در برخی زمینه ها، از آنجایی که کشاورزان انتخاب کاشت خود را با تغییر دما و الگوهای بارندگی تطبیق می دهند، کشت محصولات "کار کودک بر" مانند کاکائو، قهوه و پنبه به زمینها و مناطقی منتقل می شود که این محصولات پیشتر در آنها کشت نشده اند. این تغییر می تواند خطرات بیشتری را برای کار کودکان در

مکان های جدید ایجاد کند، به ویژه جاهایی که اقدامات نظارتی و سیاستهای ناظر بر ی کاهش کار کودک هماهنگ نبوده اند.

تغییرات در الگوهای کاربری زمین مرتبط با تغییرات اقلیمی احتمالاً رقابتهای جدیدی را نیز در نقاط مختلف دنیا موجب شود. احتمالاً کشورهای نیمکره شمالی طولانی شدن فصل "داشت" [در کشاورزی] را تجربه کنند و با افزایش گرمایش جهانی مناطقی که قبلاً برای مقاصد کشاورزی نامناسب بودند، حاصلخیزتر و مولدتر شوند و طرفهای جدیدی برای رقابت با اقتصادهای نوظهور، که به درآمدهای نقدی محصولات صادراتی متکی اند، به میدان آیند.

3.4 تحرکات و درگیریهای مهاجرتی ناشی از تغییرات اقلیمی

کمبود فزاینده آب، زمین‌های حاصلخیز و فرصت‌های درآمدی ناشی از تغییرات اقلیمی، باعث تحرکات بزرگ مهاجرتی و جابجایی جمعیت شده است. برای مثال، حدود 500 میلیون کودک با خطر آوارگی روبرو اند زیرا در مناطقی زندگی می‌کنند که در برابر سیل‌های ناشی از طوفان و گردباد و همچنین بالا آمدن سطح دریاها بسیار آسیب‌پذیر اند. تنها در بنگلادش، که یکی از این دست آسیب‌پذیرترین مناطق است، برآوردها حاکی از آن اند که سالانه بین پنجاه هزار تا دویست هزار نفر در اثر فرسایش رودخانه‌ها آواره می‌شوند.

تغییرات اقلیمی باعث جابجایی جمعیت می‌شود، با ماهیت اضطراری-انسانی، فصلی و دائمی، که هر یک اثرات بالقوه مهمی بر کار کودکان دارد. جابجایی ناگهانی و اضطراری جمعیت به دلیل رویدادهای شدید اقلیمی می‌تواند منجر به اختلالات شدید در معیشت، تحصیل، حمایت اجتماعی، شبکه‌های حمایت از خانواده و حاکمیت قانون شود که همگی به افزایش خطر کار کودکان می‌انجامند. مثلاً در هند، مهاجرت فصلی کوتاه مدت کودکان که در ایالت اودیسا در اثر فشار محیط فرار می‌کنند، به طور فزاینده‌ای به اشتغال در اشکال خطرناک کار کودک کشیده می‌شوند. به علاوه با طولانی شدن مدت مهاجرت فصلی، دسترسی آنها به آموزش حتی کمتر می‌شود. شواهد نشان می‌دهند که جابجایی دائمی ناشی از تغییرات اقلیمی نیز می‌تواند شرایط کودکان را حداقل در کوتاه مدت بدتر کند، زیرا خانواده‌ها باید از پس معیشت خود برآیند و با وضع زندگی غالباً بسیار متفاوتی، با محیط‌های جدید سازگار شوند. برای نمونه، کودکانی که به علت فرار از مناطقی در دریای کارائیب، که به طور فزاینده‌ای مستعد طوفان اند، از خانمان شان کنده شده اند، در برابر نقض حقوق کودک بسیار آسیب‌پذیرتر شده‌اند.

تغییرات اقلیمی همچنین به درگیری‌ها بر سر منابع کمیاب دامن می‌زنند و در نتیجه به شیوع بدترین اشکال کار کودک، از جمله کشیده شدن به درگیری‌های مسلحانه و قاچاق کودکان، دامن می‌زنند. برای مثال، در حوزه دریاچه چاد در آفریقا، آواره شدن بیش از 4 میلیون نفر به دلیل بیابان‌زایی زمینه‌ی درگیری‌هایی را، که در آن کودکان به عنوان جنگجو درگیر می‌شوند، و نیز سایر موارد نقض فاحش حقوق انسانی کودکان را تشکیل می‌دهد و اختلالات گسترده‌ای را در معیشت، تحصیل، برخورداری از زیرساختها و خدمات اساسی، که با درگیری مسلحانه همراه است، به بار می‌آورد.

3.5 مسائل بهداشتی و کار خطرناک کودکان

تغییرات اقلیمی باعث بدتر شدن قابل توجه شرایط کار در برخی زمینه‌ها می‌شود که پیامدهای مهمی برای کار کودکان دارد.



امواج گرمایی در فضاها و کشاورزی یک نگرانی خاصی را متوجه کودکان می‌کند که بیشتر از بزرگسالان مستعد گرم‌زدگی و کم‌آبی اند. یک گزارش کاری سازمان غذا و کشاورزی (FAO) که در سال 2018 منتشر شد، به این نتیجه می‌رسد که کودکان در دمای بالای 36 درجه در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به بیماریهای مرتبط با گرما قرار دارند. مطالعات دیگر نشان می‌دهند که کودکان در حال حاضر از چنین اثرات مرتبط با گرما در برخی فضاها و کشاورزی رنج می‌برند. در شرایط کاهش تولیدوری کشاورزی به دلیل تغییرات اقلیمی، اعمال

روش "پرداخت به تناسب قطعه [زمین]" می‌تواند به معنای افزایش سرعت و شدت کار برای افزایش برداشت شود و این به نوبه خود به موجب افزایش خطر گرم‌زدگی و موج گرمایی در مزارع گردد. موج گرمایی همچنین موجب یک نگرانی رو به رشد در محیط‌های صنعتی مانند کوره‌های آجرپزی است.

علاوه بر موجهای گرمایی، دیگر رویدادهای شدید اقلیمی، بیماریهای منتقل شده از حشرات (مانند مالاریا)، باران گرد و غبار، و خطرات جنگلداری مانند آتش سوزی، تنها تعدادی از خطرات ایمنی و سلامت شغلی در حال افزایش در اثر

تغییرات اقلیمی اند؛ با پیامدهای خطرناک و مشخصاً متوجه سلامتی کودکان کار. این نیز هست که برخی راهبردهای مقابله ای برای واکنش به تغییرات اقلیمی، مانند افزایش میزان سم و آفت کش ها برای حفظ بارآوری کشاورزی و افزایش مقاومت در برابر عوامل بیماری زای جدید، قطعاً کودکان را در معرض خطرات شیمیایی بیشتری در جریان کارشان قرار می دهند. اثرات همه این خطرات احتمالاً بر کودکانی که هنوز تن و جان در حال رشد آنها آسیب پذیرتر است، حاد می شود.

این خطرات همچنین می توانند به طور غیرمستقیم از طریق تأثیر مخرب خود بر سلامت و کارایی کارگران بزرگسال بر کار کودکان تأثیر بگذارند. شواهد از کشورهای از جمله تانزانیا، هند، مالی، اتیوپی و ویتنام نشان می دهند که وقتی نان آوران بزرگسال بیمار می شوند و قادر به کار نیستند یا کمتر قادر به کار اند، کار کودکان افزایش می یابد، زیرا کودکان باید مسئولیت بیشتری برای تضمین معیشت خانوار بر عهده گیرند.

3.6 سیاست های ناظر بر سازگاری با اقلیم

تلاش های ناظر بر سازگاری با اقلیم، با هدف تعدیل سیستم ها و جوامع برای مقاومت در برابر تأثیرات تغییرات اقلیمی صورت می گیرند. پیش بینی اثرات خالص برخی اقدامات سازگاری بر کار کودکان می تواند دشوار باشد، زیرا این اقدامات می توانند خانواده های ذینفع را در وضعیت بهتر و انعطاف پذیری قرار دهند و در نتیجه نیاز آنها به توسل به کار کودکان را کاهش دهند، یا درست برعکس "فرصتهای" جدیدی را برای کار کودکان ایجاد کنند و بنابراین موجب افزایش تقاضا برای کار کودکان شوند. بسیار مهم است که این اثرات رقابتی در طراحی اقدامات ناظر بر سازگاری با اقلیم در نظر گرفته شوند.

به عنوان مثال، یک طرح تضمین اشتغال روستایی در هند، که به عنوان حائلی در برابر شوکهای کشاورزی طراحی شده بوده، باعث ایجاد تقاضای مازاد برای نیروی کار بزرگسالان شده، و این به نوبه خود باعث افزایش کار کودکان در بازارهای غیررسمی و کاهش تحصیل در دوران مدرسه - در زمان های بیشترین تقاضا برای نیروی کار، مانند فصل برداشت محصول - شده است. بنابراین اثرات بازار کار باید در طراحی چنین طرح هایی به دقت سنجیده شود تا اطمینان شود که کودکان مدرسه را ترک نمی کنند و در ناخواسته به دیگر فعالیت های اقتصادی کشیده نمی شوند.



در کشاورزی، برنامه هایی برای تشویق شیوه های کشاورزی هوشمند نیز، که بهره وری را در انطباق با تغییرات اقلیمی افزایش می دهند، هرگاه در طراحی این برنامه ها نگاه جامعی نسبت به آثار ممکن آنها اعمال نشود، می توانند پیامدهای ناخواسته ای مشخصاً به صورت افزایش تقاضا برای کار کودکان داشته باشند. مثلاً شواهدی وجود دارند که نشان می دهند پذیرش تکنیکهای حفاظت از خاک و آب در اتیوپی منجر به استفاده بیشتر از کار کودکان شده اند.

واضح است که فقدان سیاستهای انطباقی برای

کمک به مردم برای مقابله با تغییرات اقلیمی نیز می تواند پیامدهای نامطلوبی برای کار کودکان داشته باشد. بدون استراتژی های انطباقی هماهنگ از سوی دولت، خانواده های منفرد به مکانیسم های مقابله ای پراکنده و متفاوتی متوسل خواهند شد، که می توانند منجر به ناپایداری و بدتر شدن شرایط جمعی شوند. برای نمونه اثرات کنترل نشده تغییرات اقلیمی و صید بی رویه منجر به کاهش ذخایر ماهی در بسیاری از مناطق زیست محیطی دریایی می شود، که نیازمند تلاش بیشتر برای جبران منابعی است که مدام کمیاب تر می شوند و در نتیجه منجر به افزایش هزینه های اولیه، مانند سوخت برای دوره های طولانی تر در دریا و بازده مالی کمتر می گردند. این فشارهای اقتصادی غالباً از طریق تشدید کار استثمارگرانه و نقض حقوق بشر به ماهیگیران منتقل می شوند.

4 برای تبادل نظر: کار کودکان و گذار عادلانه به اقتصاد و جامعه "اقلیم بنیاد"

شواهد موجود به کرات نشان می دهند که تغییرات اقلیمی تا کنون تأثیرات عمیقی بر کار کودکان - و به تبع آن بر پیشرفت جهانی برای پایان دادن به همه اشکال کار کودک تا تاریخ 2025، که برای نیل به اهداف توسعه پایدار تعیین شده - داشته اند. با افزایش و تشدید تأثیرات تغییرات اقلیمی، این امر در سال های منتهی به تاریخ هدف 2025 و پس از آن بیشتر صادق خواهد بود.

گذار عادلانه به اقتصاد و جامعه ای که نسبت به تغییرات اقلیمی "خنثی" یا آماده مواجهه با آنهاست، تغییری است که حتی الامکان باید برای همه افراد ذیربط منصفانه و فراگیر باشد، فرصت های کاری مناسبی ایجاد کند و کسی را بی پناه پشت سر نگذارد. چنین گذار اقلیمی به گونه ای سامان یافته است که نه تنها منجر به پیامدهای منفی ناخواسته برای کار کودکان نمی شود، بلکه آگاهانه هدف کاستن از کار کودکان را پیش می برد. به عبارت دیگر اعتلای حداکثری منافع کودکان و مقابله با کار کودک در سیاست های ناظر بر سازکاری اقلیمی و مدیریت دقیق اثرات جانبی نامطلوب احتمالی بر عرضه و تقاضای کار کودک.

4.1 تدابیر اقلیم بنیاد بخش دولتی

حصول اطمینان از یک گذار عادلانه از منظر کار کودک پیامدهایی برای تدابیر بخش دولتی ناظر بر اقلیم در طیف وسیعی از حوزه های سیاستی دارد. برای مثال، پادمان هایی لازم اند تا سیاست های عمومی ترویج گذار به انرژی پاک، در بازار کار اختلالی ایجاد نکنند که کارگران ناماهر و خانواده هایشان را در موقعیت آسیب پذیری بیشتری قرار دهند، به نحوی که ناگزیر به اتکای بیشتر به کار فرزندان شان شوند. برنامه های تشویقی دولت برای ترویج محصولات "سبز" مانند اتومبیل های الکتریکی و پنل های خورشیدی باید شامل اقداماتی برای مقابله با خطر کار کودکان در فعالیتهای معدنی یا سایر فعالیتهای تولیدی در زنجیره تأمین این محصولات باشد. در همین راستا، سیاست های ترویج بازیافت



زباله های الکترونیکی و سایر موارد باید تضمین کنند که این فعالیتهای تقاضای جدیدی برای کار خطرناک کودکان در مدیریت و بازیافت زباله های الکترونیکی ایجاد نمی کنند. سیاست های سازگاری با تغییرات اقلیمی، مانند روش های سازگار با محیط زیست برای بهبود تولیدات کشاورزی در مواجهه با تغییرات اقلیمی، یا طرح های عمومی برای مهار شوک های اقلیمی نیز باید به گونه ای طراحی شوند که وابستگی خانوار به کار کودکان را کاهش دهند و نه آن که منجر به تقاضای بیشتر برای کار کودکان گردند.

تدابیر دولتی برای حصول اطمینان از گذار عادلانه از منظر کار کودک، دارای یک بعد نظارتی مهم نیز هست. ترکیب عناصر محیطی و حقوق بشر در قوانین و مقررات ملی حاکم بر رفتار شرکتها، از جمله در زنجیره تامین داخلی و برونمرزی، می تواند نقش مهمی در تضمین تحقق توامان این دو هدف نظارتی ایفا کند. دولت ها همچنین می توانند از طریق قوانین موجود در موافقت نامه های تجاری که مستلزم تعهد به کنوانسیون های بنیادی سازمان بین المللی کار و اهداف اقلیمی اند، نظارت بر حقوق بشر و محیط زیست را در عملیات تجاری و زنجیره های تامین تشویق کنند.

یک گذار عادلانه همچنین مستلزم آن است که اقدامات نظارتی کشورها، اثرات بالقوه منفی بر محیط زیست و حقوق بشر را، که ممکن است در روند تولید کالاها و خدمات موجود بروز عمل کنند، در نظر داشته باشند. به عبارت دیگر، اقدامات نظارتی باید نه تنها تأثیرات کار کودک و اقلیم مرتبط با تولید داخلی، بلکه تأثیرات کشورهای ثالث در تولید کالاها و خدمات وارداتی را نیز در نظر داشته باشد.

4.2 تدابیر اقلیم بنیاد بخش خصوصی

نقض حقوق بشر و تخریب محیط زیست در عملیات تجاری و زنجیره تامین اغلب پیامد یکدیگر اند و ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. نمونه ها زیاد اند: کشت تک محصولی قهوه در برخی از موارد هم با کار کودکان و هم با آسیبهای زیست محیطی از جمله جنگل زدایی، فرسایش خاک و آلودگی آب همراه است. استخراج کلتان (یک ماده معدنی ضرور برای تولید طیف وسیعی از کالاهای الکترونیکی) با استفاده گسترده از کار کودکان و توأمآ آسیب جدی به اکوسیستمها همراه است و زیستگاه های وحوش را تحت تاثیر قرار می دهد. همچنین صنعت کبالت با اثرات منفی زیست محیطی، از سوئی از تخریب زیستگاه وحوش گرفته تا آلودگی آب و هوا، و از سوی دیگر با نقض حقوق بشر از جمله استفادۀ وسیع از کار کودکان، کار اجباری و استثمار جنسی تجاری از زنان و دختران همراه است. در صنعت روغن نخل، تخریب محیط زیست به صورت جنگل زدایی با استفاده از کار کودکان در برداشت روغن نخل عجین است. تولید پنبه، به عنوان یکی از بسیاری نگرانیهای زیست محیطی، مولد محصولات جانبی شامل اکسیدهای نیتروژن است، که یک گاز گلخانه ای 300 برابر قوی تر از CO2 است. این فعالیت همچنین در بسیاری از موارد [تقریباً بالتمامه] به کار کودکان متکی است.

در عرصه بازار، در صنایع نامبرده و در بسیاری دیگر از صنایعی که توأمآ با چالش های زیست محیطی و حقوق بشری مواجه اند، یک گذار عادلانه از منظر کار کودک به معنای اطمینان از این است که تلاش های مربوط به محیط زیست و حقوق بشر به طور منطقی همسو شده و متقابلاً تقویت می شوند. کسب و کارهایی که هدفشان رعایت تعهدات زیست محیطی به قیمت نقض تعهدات حقوق بشری است، یا برعکس، در نهایت به تعهدات خود در هیچ یک از این حوزه ها عمل نمی کنند، زیرا حقوق بشر و محیط زیست به طور جدایی ناپذیری به هم مرتبط اند. یک رویکرد جامع مورد نیاز است که در آن هم تعهدات زیست محیطی و هم حقوق بشری در پیوند با هم رعایت می شوند. امروزه هستند معدودی از فعالیتهای اقتصادی که رویکرد موسوم به "هم افزایی مبتنی بر سه رکن (زمین، بشریت و سود) را پیشه کرده اند. با این حال با توجه به ارتباط متقابل بین سلامت محیط زیست، حقوق کار و موفقیت مالی، در این رابطه باید کارهای بیشتری انجام شود.

در همین راستا، بسیار مهم است که واکنش های کسب و کار به فشارهای هزینه ای مرتبط با تغییرات و شوک های اقلیمی، به قیمت نقض حقوق بشر و شرایط محیط کار در عملیات و زنجیره های تامین آنها صورت نیابد. خطرات در این عرصه مشخص اند: فشار مالی مرتبط با خسارات ناشی از شوک های اقلیمی می تواند انگیزه پیشه کردن راهبرد "مسابقه به قهقرا" باشد که در آن حقوق بشر و استانداردهای زیست محیطی قربانی کاهش هزینه ها می شوند. این یک نگرانی خاص در بخش هایی از عملیات تجاری و زنجیره های تامین است که در حوزه های شدیداً تحت تاثیر تغییرات اقلیمی عمل می کنند و در عین حال از استانداردهای کار، محیط زیستی و مکانیسم های اجرایی قوی بی بهره اند.

پایان

1. جستجوی شواهد مرتبط در مورد اثرات تغییرات اقلیمی بر کار کودکان و ارتباط آن با اقدامات مرتبط با اقلیم به دو روش مختلف انجام شد. ابتدا، جستجوی کلیدواژه های مرتبط با استفاده از مخازن مقالات بررسی شده نظیر Elsevier's Scopus (یکی از بزرگترین پایگاه های چکیده مقالات و اسناد)، یا Web-of-Science، اجرا شد و نتایج با سایر منابع منتشر نشده پرکیفیت در Google Scholar، دفتر ملی اقتصاد و آمار (NBER)، مرکز تحقیقات سیاست اقتصادی (CEPR)، شبکه تحقیقات علوم اجتماعی (SSRN) و مقالات پژوهشی در اقتصاد (RePEc) کنترل موردی شدند. سپس جستجو شامل هر گونه ادبیات خاکستری از سازمان های بین المللی معتبر، سازمان های غیردولتی و اندیشکده هایی گردید که داده های قابل اعتماد و اطلاعات تحلیلی در مورد این موضوع تولید می کنند، مانند ILO، یونیسف (مثلاً مجموعه مقالات (Innocenti)، ITUC، IOE، FAO، IOM، بانک جهانی، Terre des Hommes، دیده بان حقوق بشر، عفو بین الملل، کودکان را نجات دهید (Save The Children)، هلال احمر بین المللی، صلیب سرخ (به ویژه مرکز آب و هوای IFRC) و غیره.

* منظور از "ادبیات خاکستری" اطلاعاتی است که خارج از کانالهای انتشار و توزیع مرسوم و سنتی تولید می شود. این اطلاعات می تواند شامل گزارش، اسناد ناظر بر سیاست گذاری، اوراق کاری، خبرنامه ها، اسناد دولتی، سخنرانی ها، "مقالات سفید"، طرح های شهری و غیره باشد.

صورتبرداری از خطرات کار کودک در زنجیره های تأمین جهانی

تحلیلی در بخشهای پوشاک، الکترونیک و کشاورزی

نوشته راشل جکسون، از انتشارات یونیسف

1. کار کودک در زنجیره های تأمین جهانی

1.1 کار کودک و مسئولیت زنجیره های تأمین

برندهای جهانی و توزیع کنندگان آنها دهه هاست که عمدتاً بر پایه تلاش داوطلبانه ناشی از مفاهیم قرارداد اجتماعی، یا در رقابت با همتایان شان، یا به انگیزه حفظ نام و شهرت شان، برای حذف کار کودک از زنجیره های تأمین خود اقداماتی کرده اند. این اقدامات ممکن است بر اساس اندازه، جغرافیا و ماهیت زنجیره تأمین و همچنین تعهدات مالی شرکتها نسبت به مسئولیت اجتماعی و مشخصاً حذف کار کودک، متفاوت باشند. با این حال، صحبت چه در باره شرکتی چند میلیارد دلاری فروشنده محصولات مصرفی باشد، چه در باره یک تولیدکننده کوچک یا متوسط، تمرکز این اقدامات اساساً روی بخشهای تأمین کننده "ردیف 1" در زنجیره تأمین بوده است.

ردیف 1



منظور از اولین ردیف یا ردیف 1 (Tier 1) محل کاری است که محصول نهایی سفارش داده شده توسط یک برند یا فروشنده در آن تولید، مونتاژ یا پردازش می شود و معمولاً در مالکیت یا زیر بهره برداری یک شخص ثالث است. برای نمونه در بخش پوشاک، ردیف 1 شامل کارخانه هائی است که پارچه برای لباسهای تولیدی به منظور صادرات بریده و دوخته می شوند یا مونتاژ می شوند. در بخش الکترونیک، کارخانه های ردیف 1 مونتاژ محصولات آماده برای بازار را

تکمیل می کنند. در کشاورزی، ردیف 1 ممکن است نقطه پایانی بسته بندی میوه یا سبزیجات یا مکانی باشد که محصولات غذایی در آن فرآوری و بسته بندی می شوند، مانند محصولات کنسرو شده، مواد غذایی منجمد شده یا آماده سازی مواد غذایی پیچیده تر در یک کارخانه فرآوری مواد غذایی.

اقدامات پیشگفته شرکتها در چند دهه گذشته کار کودکان شاغل در ردیف 1 زنجیره تأمین را به شدت کاهش داده است. با این حال، کودکان در لایه های دوم، سوم و چهارم فرآیند کلی، یعنی در حلقه هائی که "زنجیره تأمین بالادست" نیز گفته می شوند، حضور سنگینی دارند.

1.1.1 زنجیره تأمین بالادست

متأسفانه، ماهیت کار در زنجیره تأمین بالادست می تواند خطرات بیشتری را برای رفاه و ایمنی کودکان کار ایجاد کند. کودکانی که در زنجیره های تأمین بالادستی پوشاک، الکترونیک، و غذا و کشاورزی کار می کنند، ممکن است وظایف پرخطری چون کاشت و برداشت پنبه، استخراج مواد معدنی، یا پرورش و برداشت مواد غذایی را به عهده داشته باشند.

خریداران محصولات زنجیره های تأمین و فعالان منع کار کودک ممکن است سنتاً اطلاع کمتری در باره این لایه های زنجیره تأمین داشته اند و بنابراین منابع و انرژی کمتری را برای شناسایی و حذف کار کودکان در این ردیف های بالادستی اختصاص دهند. در سال های اخیر، تلاش های صورت گرفته برای ردگیری زنجیره های تأمین بالادستی به تعریف و تشخیص مسیر ملموس این زنجیره های تأمین کمک شایانی کرده است. اما این تلاش ها هم ممکن است به دلیل واقعیت های بازار، از جمله عدم تمایل واسطه ها و کارگزاران برای افشای منابع خود و ترس از بیرون گذاشته شدن از زنجیره ارزش، به نتایج محدودی نائل شوند.

البته چالشهای دیگری نیز وجود دارند: از جمله تغییرات فصلی در شرکای تامین کالا، به این معنا که هر ساله کشاورزان مختلفی در یک زنجیره تامین حضور دارند. در برخی از کشورها، دولت سالانه تعیین می‌کند که کشاورزان محصول خود را به چه کسانی بفروشند، و این خریداران، که کارشان معمولاً نوعی پردازش و فرآوری محصول خریداری شده است، موظف به خرید از آن کشاورزان اند.

در گزارش حاضر این چالشها مورد بررسی قرار می‌گیرند. این گزارش همچنین نمونه‌هایی از تعامل ممکن با زنجیره های تامین بالادستی را معرفی می‌کند که ممکن است الگوی قابل استفاده ای برای حذف کار کودک و بهبود حقوق کودک باشند.

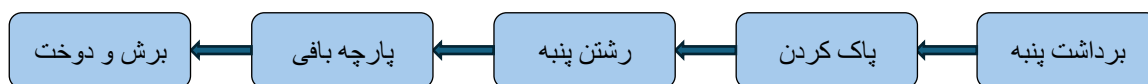
1.2 صورت‌برداری از زنجیره تامین

نقشه های زیر از زنجیره تامین در بخشهای پوشاک، الکترونیک، و مواد غذایی و کشاورزی، همراه با معرفی مختصری از هر بخش، دید روشنتری را در باره عملکرد این زنجیره ها فراهم می آورند.

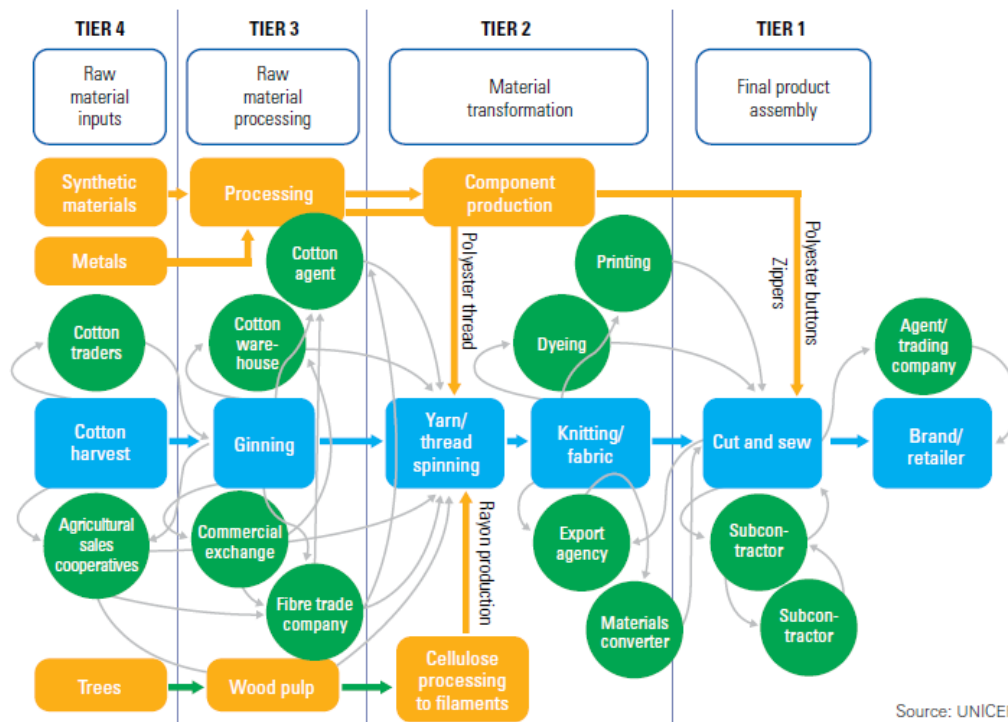
1.2.1 پوشاک

تخمین زده می شود که 60 تا 75 میلیون نفر در سراسر جهان به تولید منسوجات، پوشاک و کفش اشتغال دارند. در این بین، میلیونها کودک هستند که کارهای غیرقانونی و خطرناکی را به عهده دارند. باوجودی حضور گسترده کودکان در زنجیره های تامین پوشاک از ده ها سال پیش شناخته شده بوده، اما تعیین اعداد دقیق کودکان کار در این بخش دشوار است زیرا کار آنها اغلب در اعماق زنجیره های تامین جهانی پنهان است و یا به کارخانه‌های ناشناخته ای با قراردادهای فرعی منتقل می‌شود که در آنها کار غیررسمی جاری است؛ یا در قالب کارهای خانگی انجام می شود که به راحتی برای دیگران قابل مشاهده نیست.

در واقع، پیچیدگی زنجیره تامین پوشاک می‌تواند رویکردهای خطی یا "تک چاره" را برای حذف کار کودکان، مانند حسابرسی و کنترل کارخانه‌های ردیف 1 مورد تردید قرار دهد. برای روشنتر شدن موضوع، شمای بسیار ساده شده زنجیره تامین برای یک تی شرت نخی را در نظر بگیرید:



البته زنجیره تامین واقعی برای تولید یک تی شرت پنبه ای ساده می تواند بسیار پیچیده تر باشد و چنین نیز هست. در شکل زیر نمودار پیچیده تری از یک زنجیره تولید همان تی شرت پنبه ای نشان داده شده است.



در این شکل، دایره های سبز نشان‌دهنده واسطه ها، کارپردازان، پردازنده ها و پیمانکاران جزء اند که بخشی از زنجیره ارزش پوشاک پنبه ای را تشکیل می دهند. زنجیره ارزش در این شکل به رنگ آبی نشان داده شده است. مستطیل‌های نارنجی نشان‌دهنده مواد یا ورودی‌هایی غیر از پنبه به زنجیره تأمین اند، که در انواع پوشاک، از جمله برای تولید نخ پلی استر یا ابریشم مصنوعی و پارچه ها و اجزایی مانند دکمه و زیپ استفاده می شوند. منشا و ورودی خمیر چوب و فلز و ترکیبات مورد استفاده برای ایجاد اتیلن برای تولید پلی استر در این نمودار گنجانده نشده اند. روشن است که اگر اینها نیز در اینجا نشان داده می شدند، زنجیره تولید پوشاک پیچیدگی باز هم بیشتری می یافت.

یک مطالعه موردی: پیمانکاری جزء در صنعت پوشاک بنگلادش

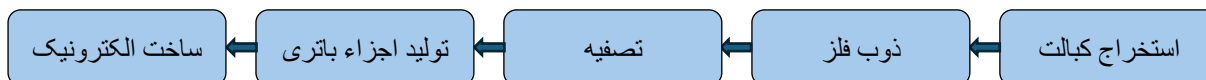
در سال 2015، مدرسه بازرگانی NYU Stern گزارش مطالعه ای را منتشر کرد که موضوع آن صورتبرداری صنعت پوشاک در بنگلادش بود. این مطالعه به این نتیجه رسیده بود که بیش از 7000 کارخانه پوشاک در کشور وجود دارند که فقط برای صادرات تولید می کنند. این در حالی بود که بیش از این تخمین زده می شد این بخش 4000 تا 5000 کارخانه را شامل می شود. این تحقیق همچنین مشخص کرد پیمانکاران جزء، که به رسمیت شناخته نشده بودند، در آمارهای رسمی حضور ندارند، در حالی که آنها بیش از یک سوم کارخانه های پوشاک شناسایی شده را تشکیل می دادند که حدود 3 میلیون کارگر را در استخدام داشتند. این کارخانه‌های "پنهان" اغلب خارج از مکانیزم‌های حساسیتی ردیف 1 قرار می‌گیرند و در حال حاضر مشمول اقدامات صنعت پوشاک برای بهبود ایمنی کارخانه، پس از فروپاشی رانا پلازا در سال 2013، نمی‌شوند (خود رانا پلازا یکی از همین پیمانکاران جزء نامشخص را در خود جای داده بود که برای برندهای بزرگ لباس تولید می‌کرد). در میان این پیمانکاران جزء، هستند کارخانه های غیررسمی ای، که هرگز ثبت نشده اند. کارگران این دست کارخانه ها، به شمول کودکان، از آسیب پذیرترین افراد در این صنعت هستند.

واضح است که اگر یک برند یا فروشنده، تلاشهای خود را برای حذف کار کودکان روی ردیف 1، که در اینجا نشان داده شده، متمرکز کند، مقدار زیادی از زنجیره تأمین از چنین مداخلاتی، از جمله حذف احتمالی پیمانکاران جزء شناسایی نشده در ردیف 1 بهره خواهد برد.

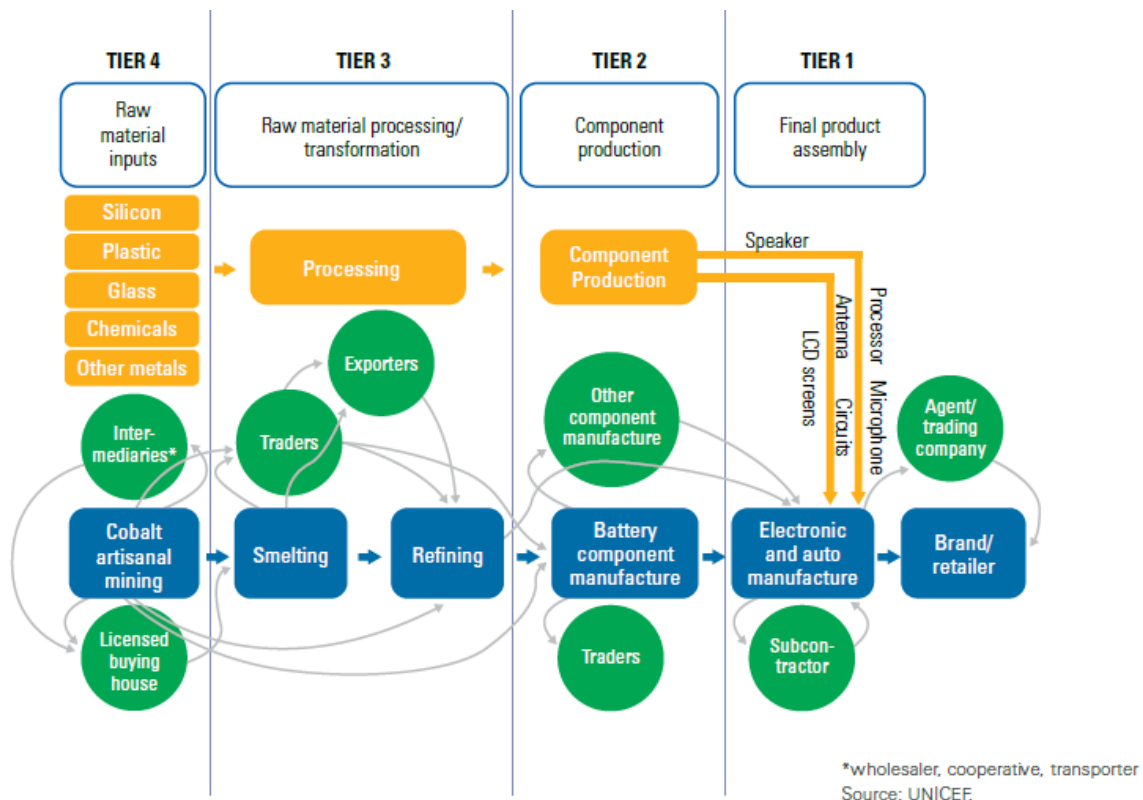
از بررسی زنجیره های تامین الکترونیک و مواد غذایی و کشاورزی می توان نتایج مشابهی گرفت.

1.2.2 الکترونیک

صنعت الکترونیک یکی از بزرگترین بخش های صنعتی در جهان است. از آنجایی که این بخش از زنجیره ها و فعالیت های مختلف برای تولید محصولات واسط مختلف تشکیل شده است، برآورد تعداد کل کارگران درگیر دشوار است. یک تخمین سازمان "کار بهتر" (Better Work) در سال 2010 تعداد کارگران درگیر در صنعت الکترونیک را 18 میلیون نفر اعلام کرده است که مدام در حال افزایش است. در کار و در کنار تولید صنعتی الکترونیک، عرصه معدن نیز قرار دارد که مواد خام معدنی و فلزات مورد استفاده در بسیاری از لوازم الکترونیکی مانند طلا، مس، کبالت، تانتالیم، تنگستن، قلع و غیره را تامین می کند. بسیاری از این مواد معدنی از معادن متکی به کار دستی کوچک ابعاد استخراج می شوند و تخمین زده می شود که بیش از 40.5 میلیون نفر از جمله بیش از 1 میلیون کودک در این معادن به کار اشتغال دارند. تشخیص و ترسیم زنجیره تأمین در صنایع الکترونیکی امر دشواری است. کار معدنی در حلقه های بسیار بالادست انجام می‌شود و کودکان بیشتر در کارخانه‌های ناشناخته، در کارهای غیررسمی یا فعالیت‌های خانگی درگیر اند؛ یعنی در جاهایی که به سادگی از دید خریداران، برندها و ناظران پنهان می مانند. شکل زیر شمای ساده شده زنجیره تأمین یک باتری لیتیومی را برای یک گوشی هوشمند نشان می دهد.



نقشه ساده شده بر استفاده از کبالت معدنی در ساخت باتری لیتیومی تمرکز دارد. نقشه زنجیره تامین پیچیده‌تر - اما هنوز هم بسیار ساده شده - در شکل زیر سایر بخشها و فرآیندهای دخیل در ایجاد محصول نهایی را نشان می‌دهد.



در این شکل دایره های سبز نشاندهنده واسطه ها، خریداران، بازرگانان و صادرکنندگانی هستند که در جابجایی و فرآوری سنگ معدن نقش دارند. ناروشنی در تعداد بازیگران مختلف درگیر و راه های فرآوری مواد معدنی، مزید بر عدم شفافیت در منشأ دقیق ماده معدنی، منطقه معین و حتی معدنی است که سنگ معدن از آن استخراج می شود.

مستطیلهای نارنجی در این نمودار نشاندهنده مواد خام اضافی یا کالاهای واسطه ای اند که برای تولید سایر اجزای تشکیل دهنده محصول الکترونیکی نهایی استفاده می شوند. این مواد یا کالاهای برای گوشیهای هوشمند، ممکن است شامل مدارهای مختلف، پردازنده ها، صفحه نمایش LCD، میکروفون، بلندگو و از این دست اجزا باشد. هر قطعه ممکن است توسط واحدهای جداگانه تولید شود و به کارخانه مونتاژ برسد تا بخشی از محصول نهایی شود. نقطه مونتاژ نهایی این قطعات جداگانه معمولاً کارخانه ردیف 1 در زنجیره تأمین الکترونیک است.

1.2.3 غذا و کشاورزی

غذا و کشاورزی بخش مسئول بیشترین میزان کار کودکان در سراسر جهان است. بر اساس گزارش سازمان بین المللی کار (ILO)، بیش از 98 میلیون کودک 5 تا 17 ساله در بخش غذا و کشاورزی - از جمله در کشت، ماهیگیری، آبیاری، پروری، جنگلداری و دامداری - کار می کنند. این تعداد شامل 60 درصد تمام کودکان کار در جهان است. نزدیک به 68 درصد این کودکان بدون مزد برای خانواده هایشان کار می کنند. اما کار آنان نیز ممکن است شامل ساعات طولانی و شرایط خطرناک باشد. سازمان بین المللی کار گزارش می دهد که به لحاظ تلفات ناشی از کار، حوادث غیرکشنده و بیماریهای شغلی، کشاورزی یکی از سه بخش خطرناک است.

بسیاری از زنجیره های تأمین مواد غذایی و کشاورزی نیز چون دیگر بخشها متنوع اند. مثالی که در اینجا بررسی می شود مربوط به زنجیره تهمن کاکائو است. زنجیره ای شامل برداشت دانه های کاکائو و تبدیل آنها به پودر کاکائو، لیکور یا کره، و در انتها افزودن آن به سایر مواد تا محصولات غذایی مانند شکلات تولید شود. شکل زیر نسخه بسیار ساده شده این زنجیره را نشان می دهد.

نسخه پیچیده تر این زنجیره، مشابه دو مورد قبلی، از سوئی "برداشت کاران"، تعاونی ها، تاجران و صادرکنندگانی را شامل می شود، که قبل از پردازش دانه کاکائو در زنجیره وارد می شوند؛ و از سوی دیگر حلقه های مربوط به مواد خام اضافی، که برای تولید شکلات لازم اند، از جمله شیر، نیشکر و دانه سویا.

بخش بعدی این گزارش تلاش می‌کند نشان دهد کودکان غالباً در کجای زنجیره تأمین بالادستی حضور دارند و تحت چه شرایطی کار می‌کنند تا به روشنی درباره بهترین روش دسترسی و تأثیرگذاری بر آن بخشها کمک کند. این گزارش زنجیره‌های تأمین پیشتر ترسیم شده را تعقیب می‌کند. این زنجیره‌ها، اگرچه ساده شده اند، کمک می‌کنند تا بر مناطقی که کودکان در آنجا حضور دارند، تمرکز شود. در این مثال‌ها، زنجیره‌های تأمین، از منشاء مواد خام تا محصول نهایی مورد بررسی قرار خواهند گرفت، اما در جهتی معکوس یعنی از ردیف 4 به ردیف 1.

2. ردیف 4: ورودی مواد خام



کودکان کار در معادن کبالت کنگو

در ابتدای اکثر زنجیره‌های تأمین بالادستی، مواد خام جمع‌آوری می‌شوند (ردیف 4) تا برای ایجاد اجزا و مواد واسطه‌ای که در تولید محصول نهایی استفاده شوند. صنایع پوشاک، الکترونیک و کشاورزی هر کدام دارای زنجیره تأمین ردیف 4 اند که ردیابی آن از طریق محصول نهایی بالادست تا منبع اولیه دشوار است. ردیف 4 را می‌توان با کار غیررسمی یا کاری که به اندازه سایر بخشها مقررات گذاری نشده، مشخص کرد. این ردیف اغلب شامل گروه‌های آسیب پذیر می‌شود و فقیرترین و تبعاً

همچنین کودکان کار را در خود جای می‌دهد. غالباً برخی از خطرناکترین شرایط کار کودکان بر این ردیف حاکم است، از آن جمله بودن در معرض خطرات سهمگین در محل کار، مرگ و میر، زمینه فعالیت‌های غیرقانونی و قاچاق، کار اجباری، سوء استفاده فیزیکی و سوء استفاده جنسی.

پوشاک: برداشت پنبه

هند دومین تولید کننده پنبه در جهان است و بنابراین نمونه خوبی از کشور میدا برای این زنجیره تأمین نمونه است. تولید پنبه با کاشت پنبه دانه آغاز می‌شود و با داشت محصول و سپس برداشت آن ادامه می‌یابد.

طبق تخمین تحقیقی که سهم و نقش کار کودکان را در صنعت پنبه در هند بررسی کرده است، 90 درصد فعالیت‌ها در کار تولید پنبه توسط کودکان انجام می‌شود، از جمله کاشت بذر، آبیاری، وجین و کوددهی، گرده‌افشانی دستی بذر و برداشت. در دهه گذشته تعداد کودکانی که برای تولید پنبه دانه در هند کار می‌کنند، به جای کاهش، تا 25 درصد رشد داشته است. در سال 2015، حدود 500000 کودک در کشت پنبه دانه اشتغال داشتند که نیمی از آنها زیر 14 سال سن داشتند.

خطرات بهداشتی و ایمنی

کار کشت و برداشت پنبه در هر کشوری مستلزم ساعات طولانی کار زیر تابش مستقیم خورشید است؛ معمولاً بدون سایه کافی، استراحت یا دسترسی به آب آشامیدنی. اینها عیناً شرایطی است که کودکان در هند تحت آن کار می‌کنند.

کودکان در تماس با محصولات کشاورزی و کار مراقبت از این محصولات، از جمله در کشیدن علفهای هرز و کوددهی، یعنی در فعالیتهایی که آنان را در معرض مواد شیمیایی خطرناک قرار می‌دهند، حضور دارند. ساعات کار طولانی در این صنعت، که از محدودیتهای تعیین شده توسط قوانین ملی بس فراتر می‌رود، مانع بزرگی برای تحصیل کودکان است.

کار اجباری، قاچاق و سوء استفاده جنسی

یک مطالعه در سال 2015 نشان داد که اکثر کودکانی که در صنعت پنبه هند کار می‌کنند، به جای مزارع خانوادگی، در شرکتها استخدام می‌شوند. پرورش دهندگان پنبه چیزی که به عنوان پیش پرداخت به والدین می‌پردازند تا تعهد فرزندان آنها را به کار در تمام فصل پنبه تضمین کنند. این کیفیت خطر شرایط کار با تعهد را ایجاد می‌کند، چه در پایان فصل تولید و چه در طول فصل مستقیماً به خود کودکان مزدی بابت کارشان پرداخت نمی‌شود.

علاوه بر این، کودکان ممکن است برای کار قاچاق شوند. در پنج ایالت برتر تولید کننده پنبه در هند، تقریباً 31.8 درصد از کارگران مهاجر اند که در خانه های ویژه کشاورزان زندگی می کنند و با خطر سوء استفاده و استثمار بیشتری روبرو اند.

کودکان مهاجر ممکن است در کمپها اسکان داده شوند، ساعات طولانی، از ساعت 5 صبح تا 6 عصر، یا حتی تا ساعت 7 غروب کار کنند، و پس از آن نیز موظف به انجام کارهای اضافی در خانه کارفرما باشند. دختران در چنین کمپهایی در معرض بهره کشی جنسی، سوء استفاده و تجاوز جنسی قرار دارند.

الکترونیک: استخراج کبالت



سویه تلخ شکلات شیرین: حدود 1/2 میلیون کودک کار در ساحل عاج

کبالت یک عنصر حیاتی در ساخت باتری لیتیومی است. دو سوم تولید کبالت جهان در حال حاضر در جمهوری دموکراتیک کنگو انجام می شود و انتظار می رود این نسبت تا سال 2021 به بیش از 70 درصد برسد.

شرکت ASM 15 درصد از تولید کبالت کنگو را در سال 2017 به خود اختصاص داده است. تخمین زده می شود که 13 درصد از نیروی کار معدنی ساکن در جوامع معدنی کمربند مس- کبالت زیر 18 سال سن دارند. از این تعداد، 51 درصد کودکان 15 تا 17 ساله، 41 درصد 10 تا 14 سال و 8 درصد زیر 10 سال اند. تخمین اخیر حاکی از کار 35000 کودک در معادن کبالت است که برخی از آنها فقط 6 سال سن دارند.

خطرات حاد برای ایمنی و نیکبختی

زندگی یا کار در مناطق معدنی، کودکان را در معرض آزارهای فیزیکی، سوء استفاده در کار قاچاق مواد مخدر، استثمار جنسی و خشونت قرار می دهد. مناطق معدنی کبالت در جنوب جمهوری دموکراتیک کنگو "مأمّن" مهاجران بسیاری است، که از خشونت های آسیبزا و درگیری در استان های شمالی این کشور فرار می کنند. مهاجرت اغلب با فحشا در محیط های معدنی همراه است، از جمله روسپیگری دختران و پسران جوان، و حتی کودکان یتیم و کودکان خردسالی که بدون همراه از مناطق درگیری فرار می کنند.

گروه های آسیب پذیری هستند که ممکن است با وجود محیط پرخطر در معادن کوچک، برای دریافت سریع پول نقد، جذب این گونه محیط ها شوند. هستند معدنچسانی که برای مقابله با ترس از ورود بدون حمایت و حایل به چاه های عمیق از مواد مخدر استفاده می کنند. کیفیتی که کودکان را نیز در معرض خطر قاچاق مواد مخدر قرار می دهد و حتی خود آنان را نیز به استفاده از مواد مخدر سوق می دهد. کودکان بسیاری گزارش داده اند که یا خود آنان مورد آزار جسمی قرار گرفته اند، یا شاهد ضرب و شتم کودکان دیگر توسط نگهبانان [معادن] بوده اند.

خطرات برای سلامتی

کار کودکان در معادن کبالت شامل جداسازی، شستن، خرد کردن و حمل کبالت می شود. آنها دستکش یا ماسک دریافت نمی کنند یا از آنها استفاده نمی کنند. با این حال سازمان بهداشت جهانی هشدار داده است که قرار گرفتن در معرض کبالت و تنفس گردوغبار آن می تواند باعث مشکلات سلامتی طولانی مدت شود. شستشوی کبالت اغلب در آب های مملو از آلاینده های ناشی از فعالیت های معدنی در مقیاس بزرگ، از جمله مواد شیمیایی مانند سیانید، با غلظت بالای اورانیوم صنعتی انجام می شود. اثرات بهداشتی برای زنان و کودکان درگیر در کار شستشوی کبالت شامل تحریک های پوستی و عفونت های دستگاه ادرار است. زنان باردار مشخصاً در معرض خطر دشواری های زایمان اند.

عدم دسترسی به آموزش

گزارش های بسیاری حاکی از آن اند که کودکان مجبور اند کار کنند، زیرا والدین آنها شغل رسمی ندارند و نمی توانند هزینه های مدرسه کودکان شان را تأمین کنند. تنها برخی از کودکان می توانند کار و مدرسه را، که معمولاً نصف روز

مثلاً صبح یا بعدازظهر است، با هم ترکیب کنند. این گروه کودکان نیز ممکن است والدین شان را در کار در مناطق معدنی همراهی کنند. کودکانی که کبالت را از پسماندها یا شورابه های معدنی جمع آوری می کنند، غالباً کبالت حاصله را به معدنچیان بزرگسال یا خرده تاجران می فروشند، و اینان متعاقباً آن کبالت را به مراکز خرید مجاز می فروشند. به این ترتیب اصلاً ردی از کار کودک بر کبالت حاصله باقی نمی ماند.

نمونه از کشاورزی: برداشت کاکائو

ساحل عاج با بیش از 40 درصد تولید جهانی و هشتصد هزار کشاورز خرده مالک، بزرگترین تولیدکننده کاکائو در جهان است.



ردیف دیگری در زنجیره تأمین

به موجب تحقیقی که در سال 2013 آغاز، و گزارش آن در سال 2018 منتشر شد، تخمین زده می شود که بیش از یک میلیون و صدوپنجاه هزار کودک در ساحل عاج به کارهای خطرناک در بخش کاکائو اشتغال دارند.

مطالعه بر روی مناطق دارای تولید متوسط و زیاد کاکائو در ساحل عاج نشان داد که 891500 کودک در کار کشاورزی کاکائو کار می کردند که 86 درصد آنها به کارهای خطرناک اشتغال دارند.

فعالیت های مرسوم برای کودکان در بخش کاکائو شامل بریدن غلاف های کاکائو از درخت با چاقو و قمه، جمع آوری غلاف برای انتقال، و کمک به انتقال غلاف به روستاها یا مراکز جمع آوری

غلاف کاکائو است. طبق گزارش های مختلف، بیشتر کارها در مزارع کاکائو توسط پسران انجام می شود. یک مطالعه نشان داده است که 62.7 درصد از کار کودکان در کشاورزی کاکائو توسط پسران انجام می شود؛ با توزیع حدوداً یکنواخت سنی: در گروه های کودکان 10 تا 11 ساله، 12 تا 14 سال و 15 تا 17 سال، هر گروه حدوداً 33 درصد.

خطرات برای سلامتی: آسیب ها

استفاده از چاقو و قمه، قرار گرفتن در معرض مارها و دیگر گزندگان، تماس با مواد شیمیایی مضر و آسیب های ناشی از حمل بار سنگین، از زمره آسیب ها برای کودکان کار در این بخش اند. یکی از تحقیقات انجام یافته، فعالیت های کاری خطرناکی را که توسط کودکان کارگر انجام می شوند چنین شناسائی کرده است: استفاده از ابزار تیز، حمل بار سنگین، پاکسازی زمین از انواع آلودگی ها و استفاده از مواد شیمیایی [سمی] کشاورزی.

از بین کودکانی که در کارهای خطرناک نامبرده شرکت داشته اند، استفاده از ابزار تیز تا 79 درصد، حمل بار سنگین تا 70 درصد، پاکسازی زمین تا 67 درصد و استفاده از مواد شیمیایی [سمی] کشاورزی حدود 25 درصد آنان را شامل می شده است.

مهاجران، قاچاق انسان، کار اجباری

کودکان از کشورهای همسایه منطقه غرب آفریقا برای کار در مزارع کاکائو به ساحل عاج قاچاق می شوند. در برخی موارد، کشاورزان کاکائو به کشورهای همسایه سفر می کنند تا مستقیماً کودکان را استخدام کنند و به خانواده ها پیش پرداخت می دهند تا فرزندان آنان را به کار در مزرعه بگمارند. کودکان مهاجر اغلب در روستاهای دورافتاده در شرایط زندگی بدی اسکان داده می شوند. بسیاری از آنها شناسنامه ندارند و این مزید بر عواملی است که آنان را در معرض استثمار حاد قرار می دهد. مطالعه ای توسط سازمان بین المللی ضدبردگی (Anti-Slavery International) نشان داده است که تنها 9 نفر از 133 جوانی که از بورکینافاسو و مالی در بخش کاکائو در ساحل عاج کار می کردند، طبق توافق قبلی حقوق دریافت می کردند. بقیه آنان یا بدون دستمزد کار می کردند، یا دستمزد بسیار کمی دریافت کردند. بنا به تخمین تحقیق دیگری که توسط بنیاد "آزاد باش!" (Walk Free!) و دانشگاه تولان انجام شده، تقریباً 2000 کودک قربانی کار اجباری بوده اند، به این معنا که توسط اشخاص ثالثی غیر از والدینشان، بدون دستمزد مجبور به کار در بخش کاکائو شده بودند.

یک مطالعه موردی

منبع یابی مسئولانه در ردیف 4 زنجیره تامین در سال 2002، شرکت IKEA مطالعه‌ای را در مورد صنعت جهانی پنبه به منظور اتخاذ یک استراتژی مؤثر برای مصرف پنبه، با در نظر گرفتن عوامل اجتماعی و محیطی آغاز کرد. این شرکت یک رویکرد سه جانبه برای تأمین پنبه را پیشه کرد: محلی، کشوری و جهانی. در مناطق محلی که در آنجا پنبه تهیه می‌کرد، IKEA با سازمان‌های توسعه و حفاظت فعال در زمین در مناطق کلیدی پنبه شریک شد. شرکت مذکور در مناطق محلی که تأمین کننده پنبه برای آن بودند، با همکاری با سازمان‌های توسعه و حفاظت روی آورد که در مناطق کلیدی کشت پنبه فعال بودند. در سطح جهانی، به "ابتکار پنبه بهتر" (Better Cotton Initiative) ملحق شد، پلتفرمی که بر ترویج منبع یابی پایدار و رعایت شیوه های اجتماعی و زیست محیطی خوب تمرکز دارد. در سطح کشوری هم، IKEA تأثیرات بازار ناشی از تأمین انحصاری محصولات ارگانیک را بررسی کرد و در عوض رویکرد انعطاف‌پذیرتری را پیشه کرد. این شرکت مستقیماً با کشاورزان همکاری کرد تا روش‌هایی را بهبود و تحقق بخشد که ناظر بر اهداف پایداری بودند. در سال 2006، تیمی برای آموزش و سازماندهی کشاورزان در جنوب هند تشکیل شد. خط تولید برای بخش منسوجات خانگی IKEA بر اساس تأمین کننده، سپس بر اساس نوع نخ و ظرافت آن تقسیم شد. IKEA سه تا از بزرگترین تأمین کنندگان نخ خوب خود را شناسایی کرد که 40 درصد از این بخش را پوشش می‌دهند. بر اساس مناطق کشت پنبه، پروژه‌هایی برای همکاری با کشاورزان برای بهبود عملکرد آنها نیز راه اندازی شدند.

با این حال، IKEA به زودی با یک چالش مواجه شد: اطمینان از خرید پنبه از کشاورزان آموزش دیده توسط پنبه‌پاک کن‌ها، دشوار بود، زیرا آن‌ها انگیزه آشکاری برای تغییر شیوه‌های خرید خود نداشتند. پس از آن که بالاخره پنبه پاک کن‌ها هم وارد این روند شدند، IKEA با واکنش تأمین کنندگانی روبرو شد که از آنها می‌خواست پنبه را از پنبه پاک کن‌های مورد نظر بخرند. برخی از آنان در ایجاد ارتباطات تجاری جدید مردد بودند و برخی دیگر طبعاً با تحمل



کارگاه دوزندگی در هند

هزینه های اضافی ناشی از تهیه پنبه از فواصل دورتر، در مقایسه با منابعی قبلی خود، مشکل داشتند. در نتیجه، IKEA مدل خود را بر وضعیت انطباق داد. این شرکت با تأمین کنندگان همکاری کرد تا شرکای شان را در بخش پنبه پاک کنی تعیین کنند، سپس با آن پنبه پاک کن‌ها کار کرد تا آنها را برای پیوستن به روش و روند مورد نظر ترغیب کند. از آن پس بود که این شرکت توانست بر اهداف اضافی، و رای اطمینان از تقاضای بالا برای محصول پنبه‌ی این کارخانه‌ها، تمرکز کند و برای ارتقای حجم و گسترش جغرافیایی پنبه موجود مطابق با استانداردهای اجتماعی و زیست‌محیطی مورد نظر خود بکوشد.

3. ردیف 3: پردازش مواد خام

ردیف 3 در زنجیره تأمین، مرحله پردازش اولیه مواد خام است. در این مرحله ممکن است تغییر اساسی در مواد خام ایجاد بشود یا نشود، اما این مرحله، در کادر موضوع مطالعه ما، معمولاً لحظه‌ای است که قابلیت ردگیری محیطی کار در ردیف 4، همچون مزارع و معادن، از بین می‌رود یا برعکس، تضمین می‌شود. در برخی موارد، این ردیف به عنوان "نقطه تأثیر" در زنجیره تأمین تلقی می‌شود، یعنی جایی که برخی از متقاضیان ممکن است بتوانند روی شیوه‌های پیشین در ردیف 4 تأثیر بگذارند.

بخش پوشاک: پاکسازی پنبه

پاک کردن پنبه تقریباً همیشه در همان کشور تولید کننده پنبه انجام می‌شود. در هند، کودکان طبق قانون از کار در پاکسازی و فرآوری پنبه منع شده‌اند. با این وجود، در هند نیز کودکان اغلب درگیر پاکسازی پنبه‌اند.

کودکانی که در هندوستان در پردازش اولیه پنبه مشغول اند، معمولاً با ماشین "چارخا" یا دستگاه تغذیه پنبه خام کار می‌کنند. پنبه را روی تسمه نقاله فشار می‌دهند و بر میزان ورودی (خوراک) ماشین آلات نظارت می‌کنند. یک مطالعه نشان داد که 8 درصد از کارگران چارخا زیر 14 سال سن داشتند. سایر فعالیت‌های چنبه پاک‌کنی که کودکان در آن شرکت می‌کنند شامل پخش کردن پنبه، جابجایی عدل‌های پنبه و برداشتن دانه‌های پنبه است.

ساعات کار طولانی، دستمزد ناچیز

کودکان، همانند کار برداشت، در فرآیندهای پنبه پاک‌کنی نیز درگیر ساعات کار طولانی اند. یک مطالعه وجود کودکانی را در این ردیف آشکار کرد که 12 ساعت شیفت کار می‌کنند و کمتر از نیمی از حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند. دستمزد کودکان به یک پیمانکار تعلق می‌گرفت که طبق گزارشهای متعدد، در پایان فصل با والدین این کودکان تصفیه حساب می‌کرد. این در حالی بود که تحقیق دیگری نشان داد تعدادی از کودکان مصاحبه شده اصلاً نمی‌دانستند والدینشان کجایند. آنها در واقع بدون هیچ امکانی برای بازگشت به خانه، به کار اجباری قاچاق شده بودند.

خطرات مفراط برای ایمنی و تندرستی

کار کودکان در پنبه پاک‌کنی در هند با صدمات شدید متعددی همراه است که ثبت شده اند، از جمله قطع انگشت و دست کودکان در کار با بعضی ماشین‌آلات.



همچنین نشان داده شده است که قرار گرفتن مداوم در معرض گردوغبار پنبه در ایجاد بیماری‌های ریوی نقش دارد. کودکانی که غیرقانونی به کار خطرناک پنبه پاک‌کنی کشیده شده اند، تجهیزات ایمنی لازم را از کارفرمایان شان دریافت نمی‌کنند یا ممکن است از آنها استفاده نکنند. همچنین گزارش‌هایی از خواب رفتن کودکان در اثر خستگی و تنگی نفس در انبوه پنبه خام که باید پردازش شود، وجود دارد.

بخش الکترونیک: الف) ذوب کبالت

تأمین کبالت را در ردیف 3 زنجیره تأمین، می‌توان با فرآیندهای ذوب و پالایش که در کشور منشأ (محل استخراج) یا همچنین در یک کشور واردکننده انجام می‌شود، خلاصه کرد.

در جمهوری دموکراتیک کنگو، تاجران محلی کبالت را از معدنچیان می‌خرند؛ یا مستقیماً از خود کودکان، یا از بزرگسالانی که به نمایندگی از کودکان عمل می‌کنند، یا از دیگر تاجران که کبالت را از کودکان خریده اند. سپس آنها کبالت حریدراری شده را به "خانه های خرید" دارای مجوز می‌فروشند و این خانه ها به نوبه خود آن را به شرکت‌های بزرگتری می‌فروشند که کارخانه های ذوب کبالت را در اختیار دارند و اداره می‌کنند. این کارخانه ها سنگ معدن پرداخته را صادر می‌کنند.

بخش الکترونیک: ب) پالایش کبالت

پالایشگاه‌ها در چین، کبالت را به طیف وسیعی از محصولات شیمیایی تبدیل می‌کنند. چین 80 درصد از کبالت فرآوری شده مورد استفاده در باتریهای لیتیومی را تولید می‌کند. گزارشی حاکی از حضور و درگیری کودکان در چین در این مرحله از زنجیره تأمین وجود ندارد. این ممکن است به دلیل پیچیدگی بیشتر کار مربوط به ذوب و پالایش کبالت باشد، فعالیتی که اجزاء آن به راحتی از عهده کودکان برنمی‌آید.

بخش کشاورزی: تخمیر و خشکاندن دانه کاکائو

هنگامی که غلاف کاکائو از درختان جدا شد، آنها را باز می‌کنند تا دانه ها و مغز کاکائو را جدا کنند و سپس اینها در فرآیند تخمیر و خشکاندن قرار می‌گیرند، تا برای فروش در بازار تجارت کاکائو آماده شوند.

کار خطرناک، بارهای سنگین

کشیده شدن کودکان به کارهای خطرناک و سنگین کاملاً ممکن است، کارهایی که برای بریدن غلافهای کاکائو مستلزم استفاده از قمه و چاقو است. آنگاه محتویات غلافها در سبدهای بزرگ ریخته می‌شود. کودکان این سبدهای سنگین را به منطقه تخمیر می‌برند؛ جایی که دانه های کاکائو روی برگ موز پهن می‌شوند و می‌مانند تا تخمیر شوند.

کودکان همچنین ممکن است به آماده سازی منطقه تخمیر کمک کنند، کاری که مستلزم حفر گودالهای کم عمق، بریدن برگها و ساقه های موز، و سپس پوشاندن گودالها با آنهاست. به طور معمول یک کارگر بزرگسال فرآیند تخمیر و خشکاندن دانه ها را مدیریت می کند. اشتغال یک کارگر بزرگسال به این کار بر کیفیت کاکائو تأثیر می گذارد، اما منتفی نیست که کودکان نیز به این کار گمارده شوند. این کار شامل چرخاندن دانه ها و پوشاندن آنها است. وقتی دانه ها برای فرستادن به بازار آماده شوند، کودکان به کیسه کردن آنها و حمل کیسه های سنگین بار گمارده خواهند شد. کیسه ها یا با کامیون به مراکز خرید منتقل شوند یا به یک مجموعه یا تعاونی محلی فروخته شوند.

یک مطالعه موردی: مسئولیت میانجی در ردیف 3

مدام آشکارتر شده است که تاجران نقش مهمی در برقراری یا نقض رویه های مسئولانه در زنجیره های تامین کالا دارند، خواه در رابطه با حقوق بشر، خواه در هماهنگی یا انطباق کلی کار با مقررات. "انستیتیوی حقوق بشر و تجارت" (Institute for Human Rights and Business)، در تلاش برای تأثیرگذاری بر وضع حقوق بشر در زنجیره تامین کالا، دستورالعملی را برای بخش تجارت کالا منتشر کرده است که به چگونگی اجرای اصول راهنمای سازمان ملل در تجارت و حقوق بشر اختصاص دارد. مداخله یک میانجی به عنوان راه حلی برای بهبود شیوه ها در حلقه های بالادستی زنجیره تامین تحولی است که زمان کمی از آن می گذرد، اما در این مدت کم تجربیات مثبتی برای مطالعه بیشتر در حال بروز اند یا بروز یافته اند.

ترافیگورا (یک شرکت چندملیتی بازرگانی که در سال 1993 تأسیس شده است)، با تلاش برای رسمی کردن کار در معادن کبالت در جمهوری دموکراتیک کنگو، نقش قابل توجهی در مسئولیتهای حلقه های بالایی زنجیره تامین ایفا می کند. در حال حاضر ترافیگورا با تمرکز بر یک سایت معدنکاری، با شرکتهای اپراتور معدن و یک سازمان غیردولتی محلی برای ایمن سازی سایت و جلوگیری از کار کودکان، نظارت بر معدنچیان و ارائه تجهیزات ایمنی به معدنچیان و سایر فعالیتهای همکاری دارد. این درست است که پیشگیری از ورود کودکان به سایت معدن، دسترسی آنان را به سایت کاهش می دهد یا از بین می برد، اما این اقدام اطمینان نمی دهد که کودکان به سایر سایتهای معدنی منتقل نشوند. همچنین تضمین نمی کند که آنها در نهایت به مدرسه بروند و از سایر خدمات پشتیبانی برخوردار شوند. با این حال، حضور یک میانجی در این اکوسیستم گام مهمی به جلو در وارد کردن طرفهای بالادستی به گفتگو در مورد مسئولیت زنجیره تامین و کاهش کار کودکان و ارتقای حمایت از کودکان است.

4. ردیف 2: تبدیل مواد

ردیف دو در زنجیره تامین به طور کلی شامل پروسه تبدیل اساسی دیگری در مواد خام و رساندن مواد به مرحله ای از ساخت قطعات است. شرکت هایی که این فرآیندها را انجام می دهند، معمولاً تامین کنندگان شرکتهای ردیف 1 اند و می توانند در شناسایی نهادهای بالادستی مفید باشند.

پوشاک: الف) ریسندگی

الیاف پنبه را، پس از آن که طبق شرح پیشین فرآوری شد، می توان از طریق فرآیند ریسندگی به نخ یا رشته تبدیل کرد. ایالت تامیل نادو مرکز تولید نخ پنبه ای در هند است. این ایالت بیش از 65 درصد کل واحدهای ریسندگی در هند را در خود جا داده است.

این منطقه از هند به "تدبیر اشتغال سومانگالی" معروف است. سومانگالی در زبان تامیل به معنای "عروس خوشبخت" است و نشاندهنده این آرزو است که زنان جوان از مناطق روستایی بتوانند به تامیل نادو بیایند و برای مدت 3 تا 5 سال کار کنند تا برای پرداخت جهیزیه عروس پولی به دست آورند. این رویه در هند غیرقانونی شده بود. در سال 1961، بیش از 80 درصد از حوادث شناسائی شده تدبیر سومننگالی در داخل کارخانه های ریسندگی رخ داده بودند.

تدبیر سومننگالی موضوع مطالعات متعددی در دهه گذشته بوده است. این تدبیر سرآغاز جمع آوری سرفصلهای جهانی بسیاری بوده است. برخی گزارشها نشان می دهند که دختران کارگر 12 تا 14 سال سن دارند. یک نظرسنجی از 1638 کارگر کارخانه های ریسندگی نشان داد که 18 درصد آنان به هنگام ورود به مناسبات کاری زیر 15 سال سن داشته اند.

شرایط بد زندگی، فقدان آزادی و آزار جنسی

در بسیاری از موارد کارگران جوان و کم سن و سالی یافت می شوند که در شرایط بدی زندگی و کار می کنند: در خوابگاه هایی که متعلق به کارخانه هستند، جایی که آزادی حرکت و حریم خصوصی بسیار محدودی دارند یا اصلاً ندارند. در این موارد اضافه کاری اجباری، خستگی و خواب ناکافی با ساعات کار طولانی و همچنین صدمات حین کار مکرراً گزارش شده اند. دستمزد برخی از کارگران، به جای پرداخت مستقیم به خودشان، به والدین شان و عده داده می شود و مبلغ و عده داده شده، که قرار به پرداخت یکجای آن در پایان یک قرارداد چند ساله می شود، همیشه پرداخت نمی شود.



اعتراض به Walmart و H&M، دو غول پوشاک جهانی، پس از آشکار شدن مرگ و میر بیش از 100 کارگر نساجی در تامیل نادو

خطرات بهداشتی و ایمنی، حوادث مرگبار

گزارشهای بسیاری حاکی از شرایط کاری ناپایمن، استنشاق گرد پنبه و نفوذ آن در ریه و معده و مشکلات تنفسی، و همچنین حوادث مرگبار در محل کار، از جمله وارد آمدن ضربات کشنده به سر انتشار یافته اند. همه این شرایط می توانند منجر به بیماریهای طولانی مدت یا مرگ شوند. بیماریهای مرتبط با کار، که در جریان تحقیق حاضر شناسایی شده اند، شامل درد مزمن در دستها و پاها، سل، آسم، برونشیت، سردردهای شدید و ... اند.

در بخش پوشاک: پارچه

برای تولید پارچه در فرآیندهای دوزندگی و بافندگی از نخ استفاده می شود. تامیل نادو حدود 7 درصد از پارچه های پنبه ای را در هند تولید می کند و شهر تیروپور (Tirupur) مرکز عمده تولید بافتنی هاست.

اشتغال غیر رسمی، بدون مزایا

مطالعه ای که در عرصه کار در تیروپور انجام گرفته، نشان داده است که کودکان کار تقریباً در تمام فرآیندهای مربوط به تولید بافندگی مشارکت دارند و اغلب به عنوان کمکی برای کارگران بزرگسال عمل می کنند. این کودکان معمولاً به صورت غیررسمی استخدام می شوند و به صورت روزانه یا تکه ای دستمزد می گیرند. اشتغال غیررسمی کیفیتی است که به راحتی موجب می شود و تضمین می کند که کودکان از چشمها دور بمانند و دیده نشوند. این کارگران کوچک در برنامه های مساعدت ملی ثبت نمی شوند و از کار و اشتغال و میزان دستمزدشان هم هیچ سابقه ای ثبت نمی شود و باقی نمی ماند.

پیش پرداخت، کار مفید

اکثر کودکان شاغل در صنعت بافندگی، مانند اکثر کارگران این صنعت، به همراه خانواده خود به منطقه مهاجرت می کنند تا فرصتهای اقتصادی را دنبال کنند. برخی از والدین گزارش می دهند که برای زنده ماندن به درآمد فرزندان نیاز دارند. والدین ممکن است در هنگام شروع کار یا در حین اشتغال فرزندان، پیش پرداخت دستمزد کودکان را دریافت کنند. در برخی از موارد، این اقدام برای پرداخت بدهیهای خانواده است.

ساعات کار طولانی، شرایط نامناسب

حقوق کارگران کودک کمتر از بزرگسالان و کمتر از حداقل دستمزد قانونی است. آنها اغلب هر روز از ساعت 8 صبح تا 9 شب کار می کنند، و ممکن است شیفت شبانه تا ساعت 2 صبح نیز داشته باشند.

الکترونیک: تولید قطعات

چین بخش اعظم قطعات الکترونیکی مورد استفاده در مونتاژ محصولات نهایی خود را در کارخانه های همین کشور تولید می کند. این کارخانه ها به عنوان تامین کننده ردیف 2 معمولاً محصولات خود را به تولید کنندگان ردیف 1 در چین می فروشند.

در مقایسه با تولیدکنندگان ردیف 1، توجه بسیار کمتری بر روی تأمین‌کنندگان این قطعات (ردیف 2) متمرکز شده است، اما تعداد انگشت شماری از گزارش‌های رسانه‌ای و مطالعات جامعه مدنی در این کشور انتشار یافته اند که جوانبی از شرایط و عملکردهای جاری در ردیف 2 را آشکار کرده اند.

ساعات طولانی کار، فقدان قرارداد، نبود آموزشهای ایمنی

تحقیق انجام یافته در باره یک کارخانه تولید قطعات تلفنهای دستی در چین، که محصولاتش را به سامسونگ می فروشد، آشکار کرد که این شرکت گروهی از کودکان 14-14 ساله را به کار گرفته است. گفته می شود که این کودکان توسط یک دلال کار با استفاده از هویت جعلی استخدام شده اند. آنها 11 ساعت در روز کار می کردند، شیفهای شبانه داشتند، قراردادی نداشتند، و هیچ آموزش ایمنی ندیده و هیچ تجهیزات ایمنی نداشتند. پس از آشکار شدن این وضع در رسانه ها، مقامات چین با کودکان تماس گرفتند و آنان را از این اساسرت نجات دادند. سامسونگ مدعی بود که دلال مذکور در تأمین هزینه های آموزش آتی کودکان سهیم شده بود.

سامسونگ همچنین اعلام کرد که مبتنی بر مشی خود دایر بر "انعطاف صفر" در برابر کار کودکان، میزان خرید خود را از این کارخانه، به دلیل اهمال آن در واریسی و نظارت بر مناسبات کار در طرف معامله های زیردستی اش، 30 درصد کاهش خواهد داد.

کار اجباری دانشجویان، سپرده های غیرقانونی



تحقیقات اخیر سازمان های غیردولتی (NGO) سازندگان قطعات صفحه کلیدهای الکترونیکی را شناسایی کرد که از نیروی کار دانشجویی برای مونتاژ صفحه کلید استفاده می کرده اند. دانشجویان گزارش کردند که موسسه آموزشی مربوطه با تهدید آنان به تقلیل ارزش مدرک تحصیلی شان، آنان را مجبور به کار در کارخانه می کرده است. دانشجویان دیگری نیز به طور غیرقانونی توسط مؤسسات کاریابی (دلالان کار) استخدام شده بودند. این

دانشجویان هم برای "تضمین" دریافت مدرک تحصیلی شان مجبور به پرداخت باج به دلالان یا موسسه آموزشی شان شده بودند.

کشاورزی: بو دادن و خرد کردن

هلند بزرگترین واردکننده دانه قهوه و دومین پودرکننده قهوه در دنیاست. این کشور حدود 85 درصد دانه قهوه را از آفریقای غربی (West Africa)، و به صورت فله ای وارد می کند.

دانه قهوه از ساحل عاج وارد بندر آمستردام می شود و سپس به تعدادی از بزرگترین خردکننده چندملتی منتقل می شود. دانه ها در آنجا به لیکور قهوه، کره قهوه یا پودر قهوه تبدیل می شوند. تا کنون گزارشی از کار کودکان در خرد کردن قهوه، نه در ساحل عاج و نه در هلند، انتشار نیافته است.

5. ردیف 1: مرحله نهایی تولید

کارخانه یا تأمین کننده در ردیف 1 زنجیره تأمین، معمولاً یا قرارداد مستقیمی با خریدار دارد یا از طریق عمده فروشان یا واسطه به خریدار مرتبط می شود. این ردیف کنترل پذیرترین لایه در زنجیره تأمین است و غالباً پای یک قرارداد خرید با خریدار برند با واسطه ای در میان است که از طریق آن می توان بر وجود احتمالی کار کودک نظارت داشت و کل کیفیت کسب و کار آن را هدایت کرد. در این ردیف است که برندها می توانند بیشترین نفوذ را در مناسبات کار اعمال کنند و بنابراین به طور طبیعی منابع بیشتری را در امر نظارت بر شرایط کار سرمایه گذاری کنند.

پوشاک: برش و دوخت

آخرین منزلگاه در زنجیره تأمین پوشاک، کارخانه ردیف 1 است که کار برش قطعات و دوخت برند مربوطه را به عهده دارد. بنگلادش، بعد از چین، دومین بزرگترین تأمین کننده پوشاک در دنیا، و واردکننده اول پنبه و تولیدات پنبه ای از هند است.

در حالی که گفته می شود بنگلادش توفیق نسبی داشته که کار کودک را در کارخانه های نساجی صادرات محور از میان بردارد، اما نگرانی نسبت به وضع تولیدات داخلی و پیمانکاران جزء نامعتبر، که علاقه دارند در زنجیره تأمین برای برندهای بین المللی مشارکت داشته باشند، باقی است.

کودکان کار 11-12 ساله در بخش پوشاک

در تحقیقی در باره حلی آبادهای بنگلادش، ورود کودکان 11-12 ساله به بازار کار گزارش شده است. حدود دوسوم دختران کار در بخش پوشاک، 10 درصد در کار خیاطی و دیگر کارهای دستی غیررسمی مربوطه اشتغال دارند. 13 درصد پسران در کار پوشاک، و 8 درصد در کار خیاطی و دیگر کارهای دستی غیررسمی مربوطه مشغول اند. گلدوزی، برش، پیرایش و دکمه دوزی از زمره کارهای تیپیک این کودکان اند.

ساعات کار طولانی، فرسودگی، محرومیت از تحصیل

تحقیق گفته شده آشکار کرده است که 15 درصد کودکان در سنین 6 تا 14 سال به مدرسه نمی روند و به طور متوسط 64 ساعت در هفته کار می کنند. حدود 35 درصد از کودکان گزارش شده از خستگی حاد کار رنج می برند. ترجیح برخی از خانواده ها این است که فرزندان شان تحصیل کنند، اما حس می کنند که بدون درآمد جنبی آنان بقای شان ممکن نیست. و البته کودکان شاغل در بخش نساجی، تنها اندکی بیش از نیم حداقل دستمزد را دریافت می کنند.

خطرات متوجه سلامت و ایمنی

کارخانه هایی که مستقیماً برای صادرات تولید می کنند، غالباً در معرض نظارت بر وضع سلامت اند، در حالی که یک تحقیق آماری نشان داده است که فقط نیمی از کارخانه های نساجی تأمین کنندگان مستقیم برندها هستند. نیم دیگر می تواند شامل تأمین کنندگان غیرمستقیم (پیمانکاران جزء) و کارخانه های غیررسمی باشد. کارخانه های غیررسمی عملاً فاقد سیستمهای ایمنی اند و در معرض نظارت از خارج نیز نیستند، به نحوی که کارگران این دست کارخانه ها در قیاس با کارگران کارخانه های صادرکننده ثبت شده در شرایط سلامت و ایمنی بسیار نامطمئن تری کار می کنند.

الکترونیک: تولید محصول

چین بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده وسایل الکترونیکی مصرفی در دنیاست. کار تأمین کنندگان در ردیف 1 زنجیره تأمین وسایل الکترونیکی در چین مونتاژ تلفن، کامپیوتر، تلویزیون، دوربین و وو برای فروشندگان عمده صاحب برند است.

برخی افشاگریهای قابل اتکا (high-profile) حاکی از آن اند که از دانشجویان کارگر در صنایع الکترونیکی چین استفاده می شود. استفاده از دانشجویان در دوره های کارآموزی کار اجباری در کارخانه های مونتاژ تلفن، برای اولین بار در سال 2012 در ارتباط با زنجیره تأمین تلفنهای هوشمند گزارش شد.



مشخص شد که چنین دوره های کارآموزی دانشجویی ناقض قوانین آموزش حرفه ای و بی ارتباط با رشته تحصیلی آنان است. دانشجویان در صورت تلاش برای ترک کار با تهدید اعدام دریافت مدرک فارغ التحصیلی مواجه می شدند. طبق گزارشها، یکی از تأمین کنندگان گوشی های هوشمند، فاکسکان، در سال 2012 صدوپنجاه هزار کارآموز داشت که 15 درصد نیروی کار آن را تشکیل می دادند.

اضافه کاری غیرقانونی و مفرط، عدم برخورداری از مزایا و پاداش



صحنه ای رایج در کارگاه های خیاطی در بنگلادش

تحقیقی که در باره شیوه های کارآموزی دانشجویان در چین انجام شد، وجود یک گروه نمونه از کارآموزان را آشکار کرد که به طور متوسط 16.5 سال سن داشتند. این کارآموزان گزارش دادند که ممی بایست بیش از 10 ساعت در روز ایستاده در کارهای تولیدی کاملاً غیر مرتبط با رشته تحصیلی خود کار کنند. آنها اغلب از پاداش تولیدی ای که کارگران عادی می توانستند برخوردار شوند، محروم بودند و هیچ نوع تأمین اجتماعی دریافت نمی کردند.

اجبار برای ادامه کار

یافته های تحقیق پیشگفته حاکی از آن بودند که دوره های کارآموزی اغلب برای رفع نیازهای تولید، از سه ماه تا یک سال کامل تمدید می شدند. امتناع از کار یا تمایل به ترک زودهنگام می توانستند منجر به موانعی برای فارغ التحصیلی بشوند. یک گزارش تحقیقاتی تازه تر، مربوط به سال 2017، نشان داد که این شیوه ها در فاکسکان ادامه دارند. دانشجویان همچنان از اضافه کاری غیرقانونی و اجبار به انجام دوره کارآموزی توسط دانشگاه گزارش می دهند.

کشاورزی: شکلات سازی

پس از آن که کاکائو به لیکور، کره یا پودر کاکائو تبدیل شد، برای تولید محصول نهایی به پردازنده های ردیف 1 منتقل می شود. برخی از پرمشتری ترین انواع شکلاتهای اروپایی در بریتانیا و با استفاده از پودر کاکائوی فرآوری شده در هلند تولید می شوند.

پودر کاکائو با کامیون به کارخانه های تولیدی ردیف 1 منتقل می شود. در اینجا است که پودر کاکائو با مواد دیگر ترکیب می شود تا شکلات تولید شود. گزارشی مبنی بر حضور کودکان در تولید شکلات تخته ای در بریتانیا یا هیچ برند بزرگی در تولید شیرینی در ردیف 1 وجود ندارد. بنابراین، در حالی که ساخت تخته شکلات در ردیف 1 هیچ مدرکی دال بر کار کودکان به دست نمی دهد، اما سطح مواد خام در ردیف 4 کاکائو به دلیل مشارکت کودکان در کارهای خطرناک شهرت جهانی یافته است.

6. کار کودک: عرضه، تقاضا و پاسخ

بروزهای ویژه کار کودک در هر یک از بخشها و ردیفهای پیشگفته در زنجیره تأمین، ممکن است متفاوت باشند، اما آنها واجد برخی منشأهای مشترک اند، که با عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محلی افروخته تر می شوند.

6.1 عوامل عرضه و تقاضا

علت اصلی کار کودکان فقر است، که با عوامل دیگری مانند پذیرش اجتماعی کار کودک، این برداشت که آموزش فاقد اهمیت است، عدم دسترسی به مدرسه و/یا معلم، و غیره همراه می شود. در زیر برخی از موضوعات خاص در بخشها و در کشورهایی که پیشتر در این گزارش در ردیف 4 بررسی شده اند، بررسی شده اند.

هند، پنبه

تولید بذر هیبریدی در صنعت پنبه در هند، فعالیتی مستلزم کار فشرده است که نیاز به گرده افشانی دستی محصول دارد. کشاورزان کودکان، به ویژه دختران را استخدام می کنند تا دستمزد کمتری نسبت به کارگران بزرگسال به آنها بپردازند و از نیروی کار مطیعتری مطمئن شوند که تصور می شود دستهای چابکتری برای کار ظریف گرده افشانی متقاطع دارند. کار کودکان با پیش پرداخت دستمزد آنان به والدین آنها تضمین می شود، و به این ترتیب قیدی برای کار آنها

ایجاد می شود. این پیش پرداختها اغلب در طول تابستان به خانواده ها صورت می گیرد، یعنی زمانی که خانواده ها با فشارهای مالی مربوط به خشکسالیهای فصلی مواجه اند و بیشترین نیاز را به وجوه نقدی دارند.

در حالی که نیاز بازار به نیروی کار وجود دارد، این همانا فقر است که موجب عرضه کار کودکان برای ورود به بازار کار می شود.

این وضعیت البته از ایالت به ایالت در هند متفاوت است، اما در برخی از جماعتی که کار پنبه‌دانه به نام آنها رقم خورده است، عموماً خانواده‌ها از کاستهای پایین‌تری هستند و در معرض تبعیض قرار دارند. این کاستها ممکن است خودشان سطح سواد و تحصیلات پایینی داشته باشند و ارزش نگهداری کودک در مدرسه را در مقایسه با داشتن درآمد اضافی برای حمایت از خانواده درک نکنند. در واقع، اکثر کودکان کارگر در تولید پنبه دانه دیگر اصلاً به مدرسه نمی روند. اگرچه ترکیب کار و مدرسه ممکن به نظر می رسد و در ابتدای شروع به کار کودکان، واقعیت دارد، اما مطالعات نشان داده اند این کودکان نهایتاً برای ادامه کار و رعایت شرایط پیش پرداخت دستمزد به والدین، ناگزیر به ترک تحصیل می شوند.



یک معدن خرد کبالت در کنگو و شرایط کار در آن

کبالت، جمهوری دموکراتیک کنگو
بسیاری از کودکان در جمهوری دموکراتیک کنگو برای تکمیل درآمد خانوار درگیر معدنکار خرد کبالت می شوند. این کار عمدتاً سازمان‌دهی نشده و غیررسمی است، به این معنی که اکثر افراد می‌توانند در معدنکاری خرد شرکت کنند و کودکان بسیاری والدین خود را برای کار در معدن همراهی کنند. مطابق گزارشها، در جاهایی که وزارت معادن سایتهای معدنی را به عنوان منطقه معدنکاری خرد تعیین کرده است، کودکان برای دسترسی به این سایتهای 3 تا 5 هزار فرانک کنگو (2 تا 3 دلار آمریکا) به محافظان امنیتی رشوه می دهند.

آموزش ابتدائی در جمهوری دموکراتیک کنگو نیمروزه است؛ معمولاً یک نیروز صبح یا بعدازظهر که چهار ساعت طول می کشد. کودکان ممکن است قبل یا بعد از مدرسه در معدن کار کنند تا پول بیشتری عاید خانواده شود، یا به دلیل فقدان فعالیتهای دیگر، والدین را در محل کار همراهی کنند. به عنوان مثال، تقریباً هیچ منطقه تفریحی در کولوزی (Kolwezi)، یک منطقه معدنی اولیه کبالت در بخش جنوبی جمهوری دموکراتیک کنگو، وجود ندارد.

به‌علاوه، اگرچه طبق قانون اساسی جمهوری دموکراتیک کنگو، تمام تحصیلات باید رایگان باشد، کودکان ملزم به پرداخت هزینه‌های مدرسه برای آموزش دولتی و خصوصی، برای پوشش حقوق معلمان و سایر نیازهای مدرسه، و همچنین هزینه‌های مرتبط با آن، چون یونیفرم، لوازم تحریر و غیره اند. کمبود بودجه خانواده برای پرداخت هزینه تحصیل می تواند مانعی برای دسترسی کودکان به آموزش باشد و آنها را به دنبال "فرصتهای درآمدی" به جای تحصیل ترغیب کند.

کاکائو، ساحل عاج

فقر همچنین یک چالش فراگیر برای جوامع تولیدکننده کاکائو در ساحل عاج است، جایی که بیش از 85 درصد درآمد خانواده ها به کاکائو وابسته است. این در حالی است که تقاضای زیاد برای نیروی کار در اقتصاد کاکائو، کودکان بسیاری را به کار در مزرعه خانوادگی یا کار در کنار والدین برای دیگران یا به کار اجباری به دلیل مهاجرت کاری می کشاند. درآمد پایین کشاورزان استخدام دیگران را برای کمک به آنان در کشت و کار کاکائو دشوار می کند و به همین دلیل اغلب این کودکان اند که به کار کشیده می شوند.



کودکان کار کاکائو در ساحل عاج

موانع پیش روی تحصیل کودکان، مانند ناتوانی در پرداخت شهریه مدرسه، نیز می تواند انگیزه والدین را برای همراه کردن فرزندان با خود تقویت کند. دسترسی به مدارس در مناطق روستایی بسیار دشوار است و کمبود کارکنان و تجهیزات کافی برای حمایت از جمعیت دانش آموزی یک واقعیت روزمره است. همچنین فقدان شناسنامه می تواند دسترسی به مدارس متوسطه، که ثبت نام در آنها اجباری است، و دسترسی به سایر خدمات اولیه مانند مراقبت های بهداشتی را نیز دشوار و مختل کند. این شرایط می تواند منجر به تمرکز بیشتر بر روی مزایای کار کودکان در کشاورزی و یاد گرفتن فوت و فن آن و در نتیجه تضعیف ارزش تحصیل، به عنوان ابزاری برای کسب مهارت برای آینده، در خانواده یا جامعه گردد.

6.2 تلاش های جاری

واقعیت این است که شرکت های بسیاری ردگیری موارد و شرایط کار کودک در این یا آن واحد مشغول در ردیف 4 زنجیره تأمین شان را، خواه یک مزرعه باشد خواه یک معدن، کاری دشوار و چالشی سنگین تلقی می کنند و از این کار سر باز می زنند. اما هستند همچنین شرکتهایی که در تلاش اند به مسائل اصلی حاکم بر اوضاع و شرایط کار در این یا آن بخش رسیدگی کنند و بر شیوه های کار کودکان در جوامع کشاورزی یا معدنی، که در زنجیره تأمین آنها حضور دارند، تأثیر بگذارند.

برخی از شرکتها ممکن است تلاش های خصوصی را با هدف زنجیره تامین خودشان آغاز کنند. دیگران ممکن است به همکاری با این یا آن ابتکار بخش خصوصی رو آورند؛ یا در ابتکارات دولتی و جامعه مدنی سهیم شوند. میزان تعامل این شرکتها، از این تا آن شرکت، بسیار متفاوت است.

در ادامه این فصل چند نمونه از ابتکارات گذشته و فعلی برای کاهش کار کودکان در کشورها و بخش هایی که در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته اند، معرفی خواهند شد. لازم به ذکر است که در اینجا هدف بررسی اثربخشی این تلاش ها نیست، زیرا ممکن است اطلاعات کافی در مورد برخی از این برنامه ها برای نتیجه گیری دقیق در مورد آنچه مؤثر بوده است در دسترس نباشد.

پنبه، هند

بخش خصوصی: شرکت های مختلف پنبه دانه در تلاش برای کاهش کار کودکان، برنامه های نظارت بر کار کودکان را در زنجیره تامین خود وارد کرده اند. مثلاً، شرکت بایر برنامه ای را زیر نام "مراقبت از کودک" در پنج ایالت هند، راه اندازی کرده است. این ایالات آنهایی اند که شرکت بایر با کشاورزان تامین کننده مقیم قرارداد تولید بذر بسته است. برنامه مذکور شامل حساس کردن جوامع به عواقب کار کودکان، اجرای یک برنامه نظارتی مستمر در مزارع تامین کننده، و ارائه مشوق هایی برای کشاورزانی است که در تمام فصل ممنوعیت کار کودک را رعایت می کنند. این برنامه همچنین شامل تمرکز بر بازگرداندن بچه ها به مدارس است.

جامعه مدنی: بنیاد ام.و. MV، یک سازمان غیردولتی مستقر در ایالت تلانگانا در هند، بیش از دو دهه برای حذف منع کار کودکان و اطمینان از اشتغال موفقیت آمیز آنان به تحصیل تلاش کرده است. کار این بنیاد اولاً تمرکز در مناطقی است که به دلیل کار کودکان در تولید پنبه دانه شناخته شده اند، و ثانیاً همکاری با "انجمن صنعت بذر هند" برای تحت فشار گذاشتن شرکت های بذر در سراسر ایالت، برای نظارت و پیشگیری از کار کودکان در مزارع تامین کننده. رویکرد بنیاد MV این است که کل جامعه را در تلاش برای تأثیرگذاری بر اهداف اجتماعی و تضمین موفقیت در اشتغال کودکان به تحصیل، و نیز در جایگزین کردن کودکان کارگر با کارگران بزرگسال در مزارع پنبه، درگیر کند. این رویکرد از جمله با مشارکت دادن والدین، معلمان، کشاورزان، سازمان های اجتماعی، مقامات و رهبران روستائی و

خود کودکان در کوششی اجتماعی پیش برده می شود. بنیاد مذکور این شیوه را در هزاران روستا در سراسر هند انجام داده است که در نتیجه صدها روستا به عنوان "مناطق آزاد از کار کودک" تأیید و تثبیت شده اند.

دولت‌های ایالتی: برخی از دولت‌های ایالتی نیز به دلیل حضور گسترده کودکان در کار پنبه، سعی کردند مسیرهای قاچاق کودکان را ببندند و با استفاده از پست‌های بازرسی مرزی در زمان کاشت پنبه‌دانه از هجوم کودکان کارگر قاچاق شده جلوگیری کنند.

کبالت، جمهوری دموکراتیک کنگو

بخش خصوصی: واکنش بخش خصوصی به کار کودکان در معادن کوچک و دستی کبالت در درجه اول بر تلاش برای جلوگیری از استخراج کبالت از این قبیل معادن و ورود آن به زنجیره تامین، با تلاش برای رسمی کردن سایت‌های این قبیل معادن دستی متمرکز شده است. این کیفیت فعالیت معدن را مسئولیت‌پذیرتر می‌کند (بدون کودکان، با شرایط ایمنی



نمونه ای از یک معدن کوچک دستی

بهبود یافته) و قابل ردیابی تا حصول اطمینان حاصل در این باره که شرکت‌ها می‌توانند از معادن کوچک دستی، مشروط به عدم کار کودک در این معادن، خرید کنند. به نظر نمی‌رسد گفتگوهای کنونی آنچنان بر اصلاح ویژه کار کودکان، از جمله اتصال کارگران کودک به خدمات و آموزش متمرکز شده باشد. با این حال، هدف کلی برنامه‌های ناظر بر صنایع معدن کبالت در کنگو، اطمینان از مزایای مستمر معدن‌کاران فعال در معادن مذکور از طریق بهبود شرایط کاری و درآمد است، و نه حذف خریداران تولیدات آن‌ها به‌طور کامل از زنجیره تامین، تا مگر به این طریق از بروز مشکلات جلوگیری شود.

فیرفون (Fairphone) یک شرکت هلندی است که یک گوشی هوشمند با تأثیر مثبت بر زنجیره ارزش، هم از نظر اجتماعی و هم از نظر زیست محیطی را تولید می‌کند. هدف آن ایجاد شفافیت در زنجیره‌های تامین است تا رویه‌ها را، از جمله در سطح تأمین مواد خام در ردیف 4 بهبود بخشد. این شرکت با برنامه "کبالت بهتر" Better Cobalt هماهنگ شده است، با این هدف آن این است که به صورت آزمایشی با رسمی کردن چهار سایت معدنی کوچک دستی در جمهوری دموکراتیک کنگو، تأمین کبالت را مسئولانه‌تر کند. فیرفون امیدوار است که این تلاش‌ها به گسترش روش‌های معدنکاری مسئولانه در کشور و بهبود توسعه اقتصادی منجر شوند.

جامعه مدنی: طیفی از سازمان‌های جامعه مدنی در جمعیت‌هایی که به کار کبالت اشتغال دارند، به طور فعال با کودکان کار می‌کنند. سازمان‌های "چوپان خوب کولوزی" (Bon Pasteur Kolwezi) و "خواهران چوپان خوب"، مستقر در جمهوری دموکراتیک کنگو، مدلی را برای «شمولیت رادیکال» به اجرا درآورده‌اند که به کمک به خانواده‌های فقیر و حمایت از کودکان در جماعات معادن کوچک و دستی کمک می‌کنند. آنها کودکانی را که به کار در معادن مشغول‌اند، استخدام می‌کنند و رایگان به مدرسی می‌فرستند که توسط خود این سازمان‌ها و خانواده‌های جماعات گفته شده ساخته شده‌اند. در این مدل کل خانواده بخشی از امر مشارکت است؛ از جمله با شرکت در دوره‌های آموزش مهارت و آموزش حرفه‌ای برای بزرگسالان، به ویژه زنان، به عنوان ابزاری برای افزایش درآمد و کاهش انگیزه کودکان برای بازگشت به معدن. آموزش حرفه‌ای مشخصاً متمرکز بر کشاورزی و دامپروری است، یعنی مهارتهایی که به دلیل اتکای گسترده و فراگیر به درآمدهای معدنی تا حد زیادی در منطقه از بین رفته‌اند.

کاکائو، ساحل عاج

بخش خصوصی: نزدیک به دو دهه است که شرکت‌های بزرگ شکلات‌سازی مانند مارس، موندلز (شرکت صنایع غذایی چندملیتی آمریکایی) و نستله، پس از تصویب قانونی در ایالات متحده، که در پی پایان دادن به کار کودکان در کشاورزی و صنعت کاکائو است، برای رسیدگی به کار کودکان در کاکائو اقدام کرده‌اند. این شرکت‌ها به اجرای برنامه‌های موازی برای حذف کودکان از کشاورزی کاکائو بی‌تمایل نیستند و اکثر آنها [در مدلهای کسب و کارشان] عناصر مشترکی برای کاهش کار کودکان، بهره‌وری کشاورزان و توسعه جامعه دارند. مثلاً برنامه موندلز، معروف به زندگی کاکائویی، بر یک رویکرد جماعت محور تمرکز دارد که شامل اصلاح کار کودکان و پیشرفت جوانان، بهبود درآمد

کشاورزان، انعطاف پذیری جامعه و دسترسی به منابع مالی، و حفاظت و احیای جنگلهاست. این برنامه دارای سیستم نظارت و اصلاح کار کودکان است که بر حساس کردن جماعتها به کار کودکان، شناسایی کودکان در معرض خطر و همکاری با سازمانهای غیردولتی محلی و دولت برای اصلاح موارد کار کودکان تاکید دارد. فعالیت طرفهای نامبرده در جماعتهای موسوم به "زندگی کاکائویی" است. منظور از آن روستاهایی هستند که بر اساس ارتباطشان با زنجیره تأمین شرکت موندلز هدف برنامه ریزی قرار گرفته اند.

در سال 2014 تلاشی انجام شد تا برنامه‌های شرکت‌های مختلف زیر یک چتر، موسوم به اقدام کاکائو CocoaAction، هماهنگ شوند تا علاوه بر هماهنگی بیشتر تلاش‌ها، از همسویی بهتر آنها با دولت اطمینان حاصل شود. با این حال، پس از گزارش سالانه 2016، هیچ به روز رسانی دیگری در این باره ارائه نشده است.

دولت: "شورای قهوه و کاکائو" یک هیئت دولتی در ساحل عاج است که مسئول مدیریت فعالیت‌های کاکائو و قهوه است. وظیفه آن شامل مبارزه با بدترین اشکال کار کودکان از طریق مشارکت در برنامه اقدام ملی کشور برای مبارزه با کار کودکان است. این هیئت همچنین پلتفرم مشارکت خصوصی-عمومی را برای تسهیل گفتگو با بازیگران بخش خصوصی که بر روی کار کودکان در کاکائو کار می‌کنند، هدایت می‌کند. همچنین کمیته ملی نظارت بر اقدام برای مبارزه با قاچاق، بهره‌کشی و کار کودکان وجود دارد. این کمیته برنامه اقدام ملی را تدوین کرده و یک سیستم نظارت بر کار کودکان در سراسر کشور را ایجاد کرده است.

7 چالشها و نوآوریها

7.1 چالشهای پاسخ سنتی به کار کودک در زنجیره های تأمین



کودکان تحصیل (کار سابق)

در مواقعی که شرکت‌ها درصدد رسیدگی به کار کودک در زنجیره تأمین خود برآمده اند، پاسخ سنتی آنها این بوده است که به ملموسترین مسائل مربوطه توجه کنند. محل ملموسترین مسائل هم معمولاً ردیف 1 زنجیره تأمین است، که در آن پیوند بین خریدار

و تأمین‌کننده واضح و مستقیم است، جایی که مسئولیت شیوه‌های کار تعریف شده تر به نظر می‌رسد، و در آن قرارداد می‌تواند به ایجاد اهرمی برای تأثیرگذاری و تغییر رویه‌ها مطابق با انتظارات خریدار یا استانداردهای موجود کمک کند. با این حال، چنان که در این گزارش نشان داده شده است، در کل زنجیره تأمین یک شرکت زنجیره تأمین ردیف 1 معمولاً جایی نیست که بیشترین خطر برای کودکان وجود داشته باشد. بنابراین، شرکت‌ها باید درصدد برآیند در آنجاهایی که واقعاً بیشترین خطرات متوجه کودکان اند، حضور داشته باشند و به چگونگیهای تأثیرگذاری در چنین محیط‌هایی و نه در آن جاهایی که می‌توانند راحت‌تر عمل کنند، پاسخ دهند.

یک نگاه عمیق‌تر به لایه های 2، 3 و 4 زنجیره تأمین، که ضرور هم هست، ممکن است چالشهای برجسته و یگانه ای را برای پاسخهای سنتی به کار کودکان در زنجیره تأمین به بار آورد. مثلاً، آشکار شود که شناسایی بازیگران زنجیره تأمین معینی ممکن است دشوار باشد، یافتن اهرمی برای تأثیرگذاری و تغییر رویه‌های فعلی که منجر به کار کودکان می‌شود ممکن است چالش برانگیز باشد، یا استفاده از همان ابزار مورد استفاده برای بازیگران ردیف 1، مانند چرخه‌های حسابرسی و برنامه‌های اقدام اصلاحی، ممکن است در ردیفهای بعدی کمتر مؤثر باشد یا مؤثر نباشد.

شناسایی عاملهای زنجیره تأمین در فراسوی ردیف 1

شناسایی تولیدکنندگان یا تأمین کنندگان زنجیره تأمین در ردیف 1 اغلب مستلزم جمع آوری اطلاعات از فروشندگان یا عوامل دخیل در تأمین محصول است. این می‌تواند یک مانع کوچک اما منطقاً قابل مدیریت باشد. اما وقتی در ردیفی

فراتر از ردیف 1 به تامین کنندگان قطعات و مواد خام در زنجیره تامین نگاه می کنید، چنبره متشکل از واسطه ها، معامله گران، نمایندگان، خریداران و تامین کنندگان می تواند نفوذ ناپذیر و رهائی ناپذیر باشد.

شرکت های دم افزونی برای اطمینان از امکان ردیابی مسیر محصولات خود تلاش می کنند. قابلیت ردیابی به معنای «توانایی شناسایی و ردیابی تاریخچه، توزیع، مکان و کاربرد محصولات، قطعات و مواد، برای اطمینان از قابل اعتماد بودن ادعاهای پایداری، در زمینه های حقوق بشر، کار (شامل سلامت و ایمنی)، محیط زیست و مبارزه با فساد» است. شرکت ها تلاشهایی را از جمله برای ردیابی در زنجیره های تأمین پنبه ارگانیک، مواد معدنی در مناطق مورد منازعه، کاکائوی تجارت منصفانه (Fairtrade cocoa)، چوب پایدار، ایمنی مواد غذایی از جمله بیماری جنون گاوی و غیره انجام داده اند. روش های مختلفی برای ردیابی ورودی های مواد در زنجیره تامین وجود دارند، مانند برچسب گذاری و تفکیک این مواد در طول پروسه تولید، که اجازه می دهد منشأ آنها از طریق ورودشان به هر لایه جدید زنجیره تامین ردیابی شود. با این حال، این روند همیشه ساده نیست.

چالش های قابل ردیابی شامل عدم تمایل بازیگران بالادستی به افشای روابط تجاری خود با برندها و خریداران در ردیف های پایین تر زنجیره است که همیشه آنها را به عنوان مشتری یا سهامدار نمی شناسند. معمولاً واسطه ها در زنجیره تأمین از ترس قطع شدن رابطه تجاری شان، از منابع تأمین خود محافظت می کنند. با این حال، این نگرانی ها را می توان از طریق قراردادهای عدم افشا یا انواع دیگر تعهدات قراردادی، یا صرفاً با تکیه بر رابطه با واحد تجاری که از آنها خرید می کند، برطرف کرد. هر شرکت کننده در زنجیره تامین به یک بازیگر مهم در باز کردن قفل دسترسی به ردیف بعدی زنجیره تبدیل می شود.



مثلاً برخی از شرکت های تولیدکننده پوشاک فضای باز که بر روی قابلیت ردیابی تأمین پر قو و غاز در زنجیره تأمین خود کار می کردند، به تأمین کنندگان پر مستقر در آمریکا متکی بودند، تا دسترسی به اطلاعات مربوط به فرآورندگان پر در اروپا و آسیا را ممکن سازند، زیرا این فرآورندگان مواد اولیه را به تأمین کنندگان آمریکایی ارائه می دادند. با تشکیل کمیته مخصوصی توسط اتحادیه صنعت فضای باز، برندها و تأمین کنندگان توانستند برای تعیین انتظارات در زمینه ردیابی تأمین پر و تسری این انتظارات به مرحله بعدی زنجیره، با یکدیگر همکاری کنند. حضور تأمین کنندگان آمریکایی پر غاز

و مشارکت آنان در بحث ها با تأمین کنندگان مواد اولیه در مراحل بالادستی، به باز شدن درها و افزایش شفافیت برای برندها کمک کرد.

تأثیرگذاری در وضع حلقه های بالائی زنجیره تأمین

شناسایی بازیگران زنجیره تامین در ردیف های 2، 3 و 4 گام مهمی است، بماند تاثیرگذاری روی شیوه ها، که به واقع خود چالش بزرگ دیگری است. هر زنجیره تأمین کالا یا محصول منحصر به فرد است و ابزارهای تأثیرگذاری بر رویه ها در امتداد ردیف های بالاتر ممکن است از نظر اثربخشی متفاوت باشد.

در زنجیره تامین مواد معدنی، مدلی از صنعت الکترونیک وجود دارد که در پاسخ به قانون مربوط به برخی مواد معدنی مورد منازعه در ایالات متحده تدوین شده است. برخی از برندهای پیشرو الکترونیک تأیید کردند که برخی مواد معدنی از جمله قلع، تانتالیوم، تنگستن و طلا از هزاران معدن در ده ها کشور در سراسر جهان سرچشمه می گیرند و از طریق کانال های تجاری مبهم وارد زنجیره های تامین آنها می شوند. با این حال، پس از نقشه برداری از زنجیره های تامین مختص به خود، متوجه شده اند که کارخانه های ذوب در سراسر جهان که این مواد معدنی را می پردازند، تنها چند صد تا هستند. با تکیه و تأکید بر این «نوک قله»، صنعت معدن می تواند تغییراتی را در این گروه کوچک از بازیگران، یعنی کارخانه های ذوب، ایجاد کند و با اطمینان بیشتری قابلیت خود را برای ردیابی مواد معدنی در ردیف های بالاتر و تا مبدأ تقویت کند.

حتی در زنجیره تأمین کبالت از معادن کوچک دستی در کنگو، هم برندها و هم رسانه ها مسئولیت اعمال تغییرات مربوط به کار کودکان را در این معادن بر عهده کارخانه ذوب چینی فعال در جمهوری دموکراتیک کنگو گذاشته اند. این خود نشان دهنده یک مفهوم کلیدی در تأثیرگذاری برای تغییر است: رویکردهای مشارکتی. در بسیاری از نمونه های موفق نظارت بر حلقه های بالائی زنجیره تأمین، شرکت ها نباید به تنهایی عمل کنند، بلکه باید در چارچوب یک پلاتفرم متشکل از چند سهامدار یا یک ابتکار در سطح صنعت مربوطه عمل کنند. همانطور که در پلاتفرم اقدام ناظر بر کاکائو (CocoaAction) دیده می شود، همسو کردن تلاش شرکتها برای اعمال نفوذ بیشتر در یک بخش یا کل صنعت در یک جامعه مورد نیاز است.

بررسی مجدد جعبه ابزار حساسی

از سوئی بحثهای بسیاری در این مورد جریان دارند، که آیا ممیزیها (audit) در تغییر رویه های کار در ردیف 1 موثر اند یا خیر. از سوی دیگر این بحث قابل تأمل جاری است که آیا ممیزی مکانیسم مؤثری برای زنجیره تأمین بالادستی است یا خیر. در مواردی که به قابلیت ردیابی مربوط می شود، ممیزیها برای اطمینان از این که فرایندهای مستند شده مناسبی برای جابجایی مواد از یک ردیف به ردیف دیگر وجود دارد، استفاده شده اند. این، سابقه ای را برای کاربرست آنها در حلقه های بالاتر زنجیره تأمین ایجاد می کند. با این حال، برای بخش هایی که کار کودکان گسترده است، مانند مواردی که در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته اند، یعنی پنبه، کاکائو و کبالت، ممکن است ممیزی این یا آن تک مزرعه یا سایت معدن، یا در بهترین حالت چند تا از آنها، در هر زنجیره تأمین معین عملی نباشد. ممیزیها ممکن است داده هایی را در مورد شرایط فعلی ارائه دهند که برای تدوین برنامه های اقدام در سطح بخش یا کل صنعت مفید باشند، اما اگر ممیزی به یک مکان و یک دفعه محدود شود، ممکن است در تأثیرگذاری بر رویه های کار کودک در یک جامعه کمتر مؤثر باشد یا اصلاً مؤثر نباشد، به ویژه در جاهایی که مواد اولیه را مالکان خرد تأمین می کنند. ده ها هزار مزرعه خرد در ردیف 4 ممکن است تأمین کننده فقط یک پردازنده مواد در ردیف 3 باشند. بنابراین، در این حالت اعمال ممیزی می تواند حتی موجب یک بهبود اولیه در حلقه های بالاتر زنجیره تأمین نباشد.



جای کودکان در مدرسه است

این نیز نکته بسیار با اهمیتی است که در صورتی که تمرکز ممیزی و دیگر اشکال نظارت بر کار کودک متوجه یک منطقه یا جامعه خاص باشد، مشارکت اعضای جامعه در این فرآیند، شانس بیشتری را برای نیل به نتیجه پایدار ایجاد خواهد کرد. این نکته در بخش های بعدی بررسی خواهد شد. بنابراین، در حالی که ممیزی ممکن است موجب کسب داده ها و اشراف بیشتری به وضع گردد، فراتر از آن برای انجام تعهدی که بتواند اثرات لازم را بر کار کودک، حمایت از کودک و جامعه به عنوان یک کل داشته باشد، اقدامات دیگری ضرورت دارند.

نگاهی به دیگر محدودیتها برای نظارت بر کار کودک

فراتر از موضوع شناسایی زنجیره تأمین ردیف 4 یک شرکت واحد، دامنه دشواریها برای نظارت و دخالت متمرکز در وضع کار کودکان در این ردیف، بسیار گسترده است. حتی تمرکز بر نظارت بر کار کودک برای کار کودک در زنجیره تأمین یک شرکت می تواند به جابجایی کودکان از یک مزرعه یا سایت به مزرعه یا سایت دیگری بیانجامد و موجب انتقال مشکل به جای رسیدگی به آن گردد. مثلاً، کمپینی برای جلوگیری از ورود کودکان به گروه خاصی از مزارع ممکن است آنها را به مزارع دیگری منتقل کند که در کمپین شرکت نمی کنند یا در همان زنجیره تأمین نیستند. همچنین، تلاش ها برای اطمینان از عدم توسل تعدادی از مزارع به کار کودکان، مانند تعاونی های خاص کاکائو در ساحل عاج، می تواند تعداد زیادی از کودکان را از برنامه های هدفمند حذف کند. در مورد ساحل عاج، 60 تا 70 درصد نیروی کار در کشاورزی کاکائو از طرقی غیر از برنامه های نظارت بر کار کودکان شرکت های بزرگ چندملیتی تأمین می شود، زیرا شرکت های مذکور نه از طریق تعاونی های سازمان یافته حاضر در زنجیره های تأمین مارک های شناخته شده شکلات، بلکه از طریق واسطه های غیررسمی فعالیت می کنند.

به طور مشابه، تمرکز بر کار کودکان در یک بخش در یک منطقه جغرافیایی، مانند مزارع پنبه در یک جامعه خاص، ممکن است کودکان را از آن بخش به بخشهای دیگر، مانند کار در کارگاه های آجرسازی، بکشاند. در بسیاری از موارد، جابجایی به یک بخش جدید حتی می تواند شرایط پرریسک تر یا خطرناک تری را برای کودکان ایجاد کند.

در هر دوی این سناریوها، کودکان از بازار کار کودک حذف نمی شوند و حمایت یا رفاه آنها از طریق مداخلات مؤثر تأمین نمی شود. بنابراین، موفق ترین رویکردها، رویکردهایی هستند که نه تنها بر حذف کار کودکان، بلکه بر اصلاح آن تمرکز دارند.

علاوه بر این، تلاشهایی که شامل مجموعه محدودی از عوامل می شود، به کنشهای محدودی هم منجر می شوند. به عنوان مثال، سازمان های بخش خصوصی ممکن است تلاش کنند کار کودک را حذف کنند، اما کاری که آنها جدا از تلاش های دولتی انجام می دهند ممکن است نتایجی را در حوزه محدودتری نسبت به زمانی که قرار است در سطح وسیع تری همکاری کنند، به بار آورد.

در بخش بعدی نمونه هایی از رویکردهای نوآورانه را بررسی می کنیم. این رویکردها به برخی از این دشواریها می پردازند و مرزهای آنچه را که امروزه به عنوان "کردار مناسب" شناخته می شود، گسترش می دهد.

8 رویکردهای نوآورانه

هیچ رویکرد واحدی برای پرداختن به کار کودک در زنجیره تأمین بالادستی وجود ندارد. این یک موضوع پیچیده است و به یک پاسخ چندوجهی نیاز دارد.

اغلب، ترکیبی از رویکردهای بخش خصوصی و دولتی با استفاده از مشارکت و پلتفرم های صنعتی می تواند منجر به تغییر محسوس و ماندگار شود. برخی از تلاش ها برای تغییرات کوتاه مدت، برخی دیگر برای تغییرات طولانی مدت مؤثر خواهند بود و تنوع رویکردها – یعنی کاربردهای مختلف – می تواند ثمربخش باشد.

8.1 رسیدگی به علت اصلی



ساحل عاج: نقاشی دیواری در نهی گماردن کودکان به کار قهوه

برای موفقیت، تلاش ها باید ناظر بر علت اصلی کار کودکان باشند. به طور کلی، علت اصلی این واقعیت نیست که کودک در شرایط ناامن یا خطرناک کار می کند. علت اصلی آن محرکی است که در ابتدا کودک را به کار وامی دارد. بنابراین، مداخله در وضع کار کودک، اگر پاسخی به علت اصلی شروع کار کودک ندهد، ممکن است کوتاه مدت و کم تأثیر باشد و در هر حال پایدار نخواهد بود. پرداختن به علت اصلی به معنای درک این است که چرا کودکان در یک جامعه خاص به بازار کار کشیده می شوند، و متعاقباً تعامل با عوامل محلی برای رفع علت اصلی.

در بخش کاکائو در منطقه غرب آفریقا، ترکیبی از نظارت عمومی و اعمال قوانین امریکا منجر به

ایجاد مشارکت های دولتی-خصوصی بی شماری شد، که در کنار اقدام برندهای خصوصی، نهادهای چندجانبه ای نیز با هدف حذف کار کودکان اقدام می کردند. بیش از یک دهه بعد، کار کودکان هنوز در بخش کاکائو در این منطقه بیداد می کند. ممکن است کاهشی جزئی در کار کودک در زنجیره های تأمین برند خاصی رخ داده باشد، اما افزایش تولید کاکائو با افزایش مطلق کار کودک و کودکان کار همراه بوده است؛ چالشی بزرگ ابعاد و پیچیده.

تلاش برای حذف کار کودک در صنعت کاکائو اکنون دوباره بر مسئله فقر کشاورزان، به عنوان یک علت ریشه ای آن، متمرکز شده است. برای نمونه در سال 2016 بری کالباوت (Barry Callebaut)، سازنده شکلات، یک ابتکار برای

تولید "شکلات پایدار" به نام شکلات همیشگی به راه انداخت و برای کار خود در صنعت کاکائو یک سری اهداف جدید را وضع کرد. گزارش شرکت او در این باره حاکی از آن است که:

تخمین زده می شود که بیش از 2 میلیون کودک در اثر مستقیم فقر کشاورزان کاکائو، در مزارع کاکائو در ساحل عاج و غنا کار می کنند. صنعت کاکائو و کشورهای کاکائوپرور، علیرغم سرمایه گذاری در آموزش و افزایش آگاهی در سال های گذشته و فراهم آوردن امکان گذراندن دوره دبیرستان، موفق به ریشه کن کردن ساختاری کار کودک نشده اند. مقابله با فقر یک راحل بلندمدت برای رفع کار کودک است، اما در کوتاه مدت باید سیستم های نظارتی و اصلاحی قوی ایجاد کنیم تا بتوانیم کار کودکان را شناسایی کنیم و برای همیشه از میان برداریم. علاوه بر این، ما باید با دولت ها، رهبران جماعات و پروژه های توسعه در کشورهای مبدأ کار کنیم تا قوانین و مقررات موجود علیه کار کودکان به اجرا درآیند، زیرساخت کافی برای تحصیل ایجاد شود، و از حضور کودکان در مدرسه و دسترسی خانواده های کشاورز کاکائو به حمایت های مالی برای فرستادن کودکان به مدرسه اطمینان یابیم. ما باید از افزایش آگاهی و تغییر درک [از مسئله کار کودک] در خود جوامع حمایت کنیم.

هدف اعلام شده برای کالباوت این است که امکان تأثیر بر مسائل را، هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت، داشته باشد و از طرق مختلف و برنامه های متعدد به حل مسائل نزدیک شود. یکی از اهداف مشخص برای کالباوت این است که 500000 کشاورز کاکائویی را از فقر بیرون کشد. امید این است که با بهبود درآمد خانواده ها، آنها از فقر خارج شوند، توانایی سرمایه گذاری در مزارع خود را بیابند، و معیشت پایدارتری برای خود ایجاد کنند. آموزش کشاورزی و امور مالی می تواند به انعطاف پذیری کشاورزان در مواجهه با تغییرات بازار یا کاهش حاد محصول کمک کند.

8.2 رفع موانع دسترسی به مدرسه



بیرون کشیدن کودک از بازار کار لزوماً تضمینی برای ورود او به مدرسه نیست. موانع بسیاری وجود دارند که اغلب کودکان را از حضور در مدرسه باز می دارند، چه به این دلیل که آنها جا مانده اند و بیشتر هرگز ثبت نام نکرده اند، یا پولی برای پرداخت هزینه های تحصیل و ثبت نام ندارند. همچنین ممکن است مدارک لازم برای ثبت نام در مدرسه مثلاً شناسنامه نداشته باشند. در برخی موارد، خود جامعه از امکانات مناسب، وسایل کافی یا معلمان واجد شرایط، و حتی گاه مدرسه برخوردار نیست. اطمینان از رفع این موانع یا مدیریت آنها، عامل مهمی برای بیرون کشیدن کودکان از بازار کار و تضمین مسیر آنها به سوی آینده ای بهتر است.

اقدامات مختلف دولت باید از جمله همکاری با جامعه

مدنی برای دسترسی به شناسنامه، پوشش هزینه های مدرسه یا هزینه های مربوط به لوازم و لباس، یا سازمان دادن برنامه هایی برای جبران عیق ماندگی های قابل توجه بسیاری از کودکان در تحصیل را شامل شود.

8.3 ایجاد مناطق آزاد از کار کودک

به مشابعت با کاری که توسط جامعه مدنی در هند انجام می شود، برای حذف کار کودک باید در تمام بخش های یک جامعه تلاش همه جانبه ای انجام شود. در غیر این صورت تلاش برای حذف کودکان، مثلاً از صنعت پنبه، ممکن است منجر به انتقال کار کودکان شاغل از این صنعت به صنعت یا بخش دیگری شود.

با تلاش در کل جامعه برای افزایش آگاهی در باره اهمیت آموزش و نیاز به جلوگیری از اشتغال کودکان در کارهای خطرناک، یک جامعه می تواند به یک "منطقه عاری از کار کودک" تبدیل شود. این امر مستلزم مشارکت کل جامعه است: والدین، رهبران روستاها و مقامات محلی، معلمان، کارفرمایان و نیز خود کودکان. ایجاد منطقه عاری از کار کودک مستلزم افزایش آگاهی در سراسر جامعه، حساسیت به نقض حقوق کودک از مجرای کار کودک، درک اهمیت و

حق آموزش است، و نیز مستلزم تلاش است برای این که والدین و کارفرمایان به این نتیجه برسند "سپردن کودکان به بازار کار پذیرفتنی نیست".

8.4 همکاری جامع

"اگر می‌خواهی سریع بروی، تنها برو. اگر می‌خواهی به راه دور بروی، تنها نرو!" شرکت‌ها اغلب این ضرب‌المثل را هنگام بررسی نقش ممکن خود در ادای مسئولیت شرکتی خود نقل می‌کنند. شرکت‌هایی که به دنبال حذف کار کودکان در سراسر زنجیره تأمین بالادستی خود هستند، اگر با طیف وسیعی از بازیگران مرتبط - از جمله سایر شرکت‌های درگیر در همان منطقه جغرافیایی، شرکت‌های دیگر در همان بخش و در سایر بخش‌ها در منطقه، سازمان‌های جامعه مدنی، دولتهای ملی و محلی، و نمایندگان جامعه - طرف باشند، موفقیت بیشتر و تأثیر گسترده‌تری خواهند داشت.

شرکتها می‌توانند علاوه بر تعامل با طیف کاملی از ذینفعان محلی، تأثیر خود را در تعامل با دولت ملی گسترش دهند. تلاش و ابتکار یک شرکت، مانند سیستمهای نظارت بر کار کودکان در ساحل عاج، می‌تواند موفقیت محدودی در زنجیره تأمین آن شرکت داشته باشد. برای رسیدن به نتایج بزرگتر، دولت باید دست به اقداماتی بزند که در تجربه شرکت‌های کوچکتر در سطح ملی موفقیت آمیز بوده اند.

تلاش برای تأثیر بخشی گسترده تر، درگیر کردن طیف گسترده‌ای از ذینفعان، پرداختن به علل ریشه‌ای و هدف قرار دادن همه کودکان در جوامع آسیب‌دیده نمونه‌هایی از نوآوری‌هایی هستند که شرکتها برای از میان برداشتن کار کودک در زنجیره تأمین ردیف 4 باید انجام دهند.